

افغانستان
گزارش شش ماهه سال ۲۰۱۴ در مورد محافظت افراد ملکی در
منازعات مسلحانه



عکس از زهره بنسمرا، اسوشیتید پرس



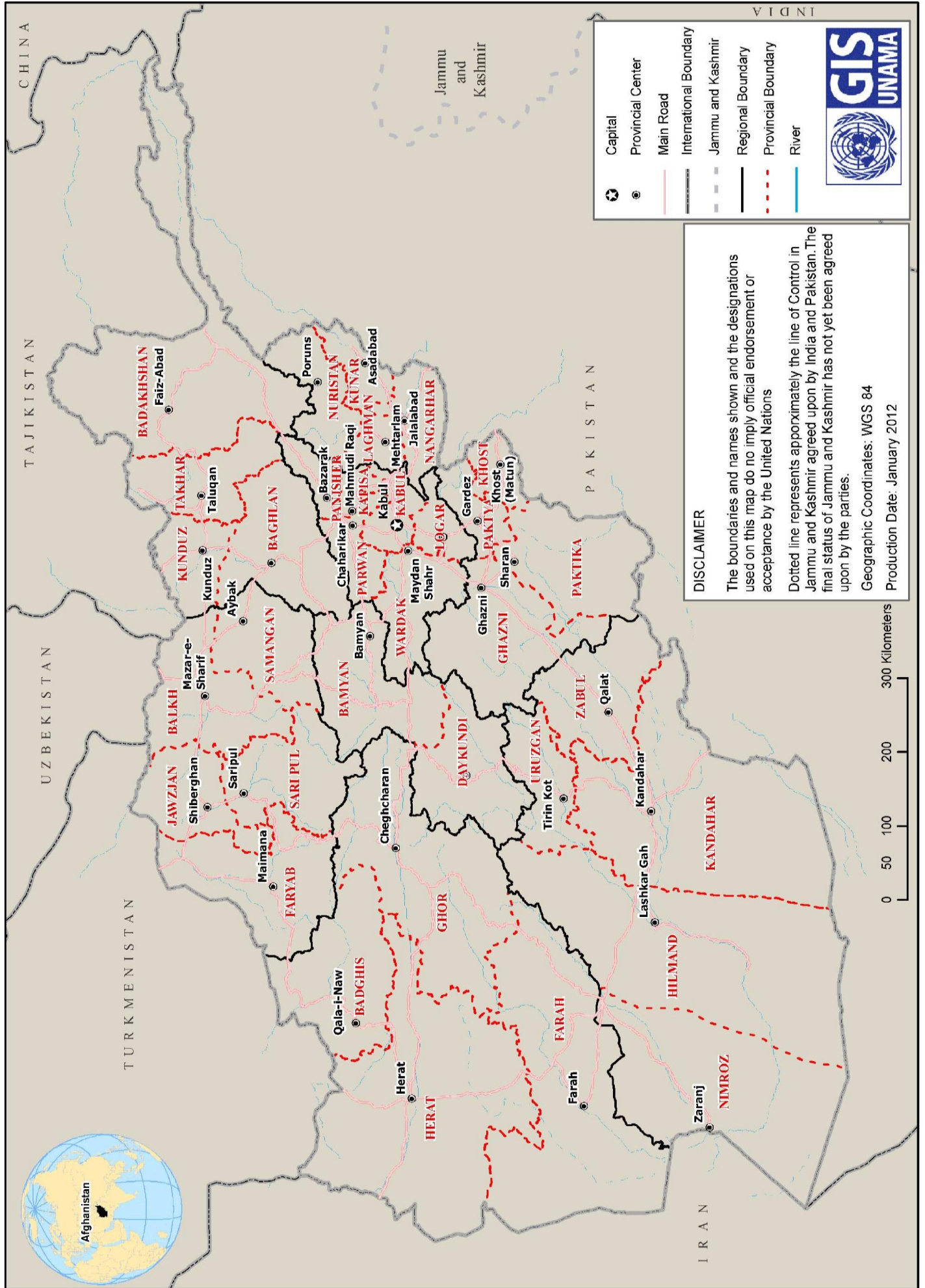
هیئت معاونت ملل متحد برای افغانستان



دفتر کمیشنی عالی ملل متحد برای حقوق بشر

کابل افغانستان
جولای ۲۰۱۴

AFGHANISTAN ADMINISTRATIVE DIVISION



افغانستان
گزارش شش ماهه سال ۲۰۱۴ در مورد محافظت افراد ملکی در
منازعات مسلحانه



هیئت معاونت ملل متحد برای افغانستان



دفتر کمیشنری عالی ملل متحد برای حقوق بشر

کابل افغانستان
جولای ۲۰۱۴

عکس روی جلد: عکس يك طفلى كه در يك حمله در هتل سرينا در كابل در تاريخ ۲۰ مارچ ۲۰۱۴، زخمى شد. چهار حمله كننده بر روى افراد ملكى كه در رستوران هتل سرينا مشغول صرف شام بودند، آتش گشوده، ده غير نظامى (سه زن، پنج مرد و دو طفل) را كشته و پنج غير نظامى ديگر (چهار مرد و يك كودك) را زخمى كردند. طالبان مسئوليت اين حمله را به عهده گرفتند. اين عكس در تاريخ ۲۷ مارچ ۲۰۱۴ در شفاخانه ايمرجنسى كابل گرفته شده است. (© رويترز/ زهره بنسمر)

"غیر نظامیان همچنان بار خشونت را در افغانستان به دوش می کشند. کوشش های بیشتر نیاز است تا غیر نظامیان را در مقابل صدمات منازعه حفاظت نموده و از پاسخگویی کسانی که عامدانه و بدون تفکیک آنها را می کشند، اطمینان حاصل کرد."

یان کویش، نماینده ویژه دبیر کل ملل متحد در افغانستان، جولای ۲۰۱۴، کابل

مأموریت

گزارش شش ماه اول سال ۲۰۱۴ در مورد محافظت از غیر نظامیان در درگیری های مسلحانه، توسط بخش حقوق بشر هیئت معاونت ملل متحد در افغانستان (یوناما)، تهیه گردیده و دوره زمانی اول جنوری تا ۳۰ جون سال ۲۰۱۴ را در بر میگیرد.

این گزارش به تعقیب مأموریت یوناما بر اساس قطعنامه ۲۱۴۵ (۲۰۱۴) شورای امنیت ملل متحد "به منظور نظارت از وضعیت غیرنظامیان، هماهنگی تلاش ها برای تضمین محافظت از آنها، تقویت پاسخ دهی و کمک به تطبیق کامل آزادی های بنیادین و مقررات حقوق بشری مندرج در قانون اساسی افغانستان و معاهدات بین المللی که افغانستان عضو آنها می باشد، بخصوص معاهداتی که به بهره مندی کامل زنان از حقوق بشری شان، ارتباط می گیرد" تهیه گردیده است.

قطعنامه ۲۱۴۵ (۲۰۱۴) شورای امنیت، اهمیت نظارت فعلی و گزارش دهی به شورای امنیت ملل متحد در مورد وضعیت افراد ملکی در منازعات مسلحانه در افغانستان، بخصوص در مورد تلفات افراد ملکی را تصدیق می نماید.

یوناما یک سلسله فعالیت هایی را با هدف کاهش اثرات جنگ بر غیرنظامیان به شمول موارد ذیل روی دست گرفته است: نظارت مستقل و بیطرفانه از حوادثی که در آن افراد ملکی کشته یا زخمی شده اند؛ فعالیت های دادخواهی برای تقویت محافظت از غیرنظامیانی که در منازعات مسلحانه متضرر می گردد؛ و فعالیت هایی که باعث تقویت بیشتر مقررات حقوق بشر دوستانه بین المللی، حقوق بشر، قانون اساسی و سایر قوانین افغانستان در میان تمام طرفهای درگیر می شود.

این گزارش توسط دفتر کمیسیون عالی ملل متحد برای حقوق بشر بازنگری گردیده و داده های تخنیکی را از طرف آن دفتر دریافت نموده است.

واژه نامه

حمله هوایی: حمله هوایی، مهمات قابل شلیک از طیاره، بشمول حمایت هوایی نزدیک توسط هواپیماهای با بال ثابت و حملات جنگی نزدیک توسط بالگردها (هلیکوپترها) را می گویند. و نیز حملاتی را می گویند که با استفاده از وسایط جنگی هوایی بدون سرنشین یا طیاره های بدون خلبانی که از راه دور کنترل می شود، صورت می گیرد.

ABP: پولیس سرحدی افغان.

ALP: پولیس محلی افغان.

ANA: اردوی ملی افغان.

ANP: پولیس ملی افغان.

ANSF: نیروهای امنیتی ملی افغان یک اصطلاح عام بوده که شامل پولیس سرحدی، اردوی ملی، پولیس ملی و ریاست امنیت ملی میگردد.

عناصر ضد دولتی: این اصطلاح تمام افراد و گروه های مسلح و یا مخالفین مسلح را که در حال حاضر در درگیری های نظامی علیه دولت افغانستان و یا نیروهای نظامی بین المللی سهم دارند، در بر می گیرد. این اصطلاح همچنین به کسانی اطلاق می شود که به عنوان "طالبان" یا افراد و گروه های منسجم و مسلح غیر دولتی که به شکل مستقیم در جنگ ها سهم گرفته و با مشخصات یا هویت های مختلف شناخته می شوند. مانند شبکه حقانی، حزب اسلامی، جنبش اسلامی ازبکستان، اتحاد جهاد اسلامی، لشکر طیبه و جیش محمد و دیگر گروه های شبه نظامی و گروه های مسلحی که به دنبال اهداف سیاسی، ایدئولوژیک یا اقتصادی می باشند، به شمول گروه های جنایی که به طور مستقیم در اعمال خصمانه به نمایندگی از یک طرف درگیر فعالیت می نمایند.

گروپ مسلح: نیروهای مسلح غیر دولتی را گویند که در منازعات دخیل می باشند و از نیروهای دولتی متمایز هستند. این نیروها دارای تشکیلاتی می باشند که ممکن از نیروهای ملیشه گرفته تا شورشیان و مجرمین را شامل گردد. گروپ های مسلح این توانایی را دارند که با استفاده از قدرت شان از جنگ افزارهایشان بخاطر بدست آوردن اهداف سیاسی، ایدئولوژیک و اقتصادی استفاده نمایند. در حالیکه آنها در تشکیلات رسمی نیروهای نظامی دولتی جا نداشته، از هم پیمانان دولت یا نهاد درون دولتی نیز بشمار نمی آیند و هم چنان، آنها در تحت کنترل دولتی که در قلمروی شان فعالیت دارند، نیستند. گروپ های مسلح ممکن تحت فرماندهی و کنترل رسمی دولتی که در قلمروی آن فعالیت می نمایند، نباشد. اما، آنها ممکن است از کشور میزبان و سایر کشورها به شکل مستقیم یا غیر مستقیم حمایت گردد. این تعریف با وصف آنکه شامل تمام گروپ های مسلح غیر قانونی نمی شود، ولی شامل گروپ های ذیل می گردد: گروپ های شورشی مخالف، ملیشه های محلی (که شامل ملیشه هایی که بر اساس نژاد، قومیت و دیگر اساس ها شکل گرفته اند)، شورشیان، تروریست ها، نیروهای دفاع مدنی و گروپ های شبه نظامی (البته

زمانی که آنها بطور واضح خارج از کنترل دولت عمل می کنند).^۱ این گروه های مسلح بر اساس قوانین افغانستان، مبنای قانونی ندارند.

یوناما، عناصر ضد دولتی را که در این گزارش از آن نام برده شده به عنوان گروه های مسلح غیر دولتی تلقی نموده اما آنها را نسبت به مبنای مخالفت مسلحانه شان علیه دولت افغانستان، متمایز می پندارد.

AXO: مواد انفجاری بجا مانده؛ به مهمات انفجاری گفته می شود که در جریان جنگ های مسلحانه استفاده نگردیده، بجا مانده یا اینکه در انبار، زباله یا اشغال انداخته شده، طوریکه مواد متذکره از تحت کنترل نیروهایی که آنها را بجا گذاشته و رها نموده است، خارج باشد. مهمات انفجاری بجا مانده ممکن دارای چاشنی باشد، ممکن دارای فیوز فعال باشد، ممکن آماده انفجار باشد، یا اینکه طور دیگری برای استفاده آماده شده باشد. (کنوانسیون مربوط به سلاح های مشخص متعارف، پروتکل ۷).

تلفات افراد ملکی: شامل کشته شده گان و زخمی های افراد ملکی می گردد و میتوان آن را به دو دسته ذیل تقسیم نمود:

• **تلفات مستقیم:** تلفاتی که بطور مستقیم از درگیری های نظامی ناشی میشود و شامل تلفات برخاسته از عملیات های نظامی انجام شده توسط نیروهای دولتی و نیروهای نظامی بین المللی می گردد. مثلاً رویداد های محافظت از نیروها، حملات هوایی، عملیات های تلاشی و دستگیری، مبارزه در مقابل شورشیان یا عملیات های ضد تروریسم. این گونه تلفات شامل تلفاتی نیز میگردد که در نتیجه فعالیت های گروههای مسلح غیر دولتی صورت می گیرد. مانند کشتارهای سازمان یافته، تلفات ناشی از مواد منفجره جاسازی شده و یا درگیریهای مستقیم با نیروهای طرفدار دولت.

• **سایر عوامل یا اسباب غیر مستقیمی که منجر به تلفات می گردد:** تلفاتی که بصورت غیر مستقیم از درگیری ها ناشی می شود، قرار ذیل می باشد: "تلفات ناشی از مواد منفجره باقی مانده از دوران جنگ، مرگ در زندان، مرگ ناشی از بدتر شدن احتمالی اوضاع بهداشتی که در جریان عملیات های نظامی رخ می دهد و یا زمانی که دسترسی به مراقبت های صحیح ممنوع گردیده یا موجود نباشد. این گونه تلفات می تواند مرگ ناشی از حوادثی را نیز شامل شود که عامل آن را به هیچ وجه نمی توان مشخص ساخت. مانند مرگ یا جراحت های ناشی از واقعاتی که طرف مسؤول آن را به هیچ صورت نمی توان تعیین کرد.

اطفال: بر اساس کنوانسیون حقوق طفل، "طفل" به کسی گفته می شود که زیر سن ۱۸ سال (مشمول بدو تولد تا ختم ۱۷ سال) باشد. اساسنامه روم در مورد محکمه جنایی بین المللی که در سال ۲۰۰۳ از سوی افغانستان نیز به تصویب رسیده، خدمت اجباری یا شامل نمودن اطفال زیر سن ۱۵ سال در نیروهای مسلح دولتی و یا گروه های مسلح غیر دولتی و استفاده از اطفال برای مشارکت فعال در خصومت ها را جرم شمرده است. (به جزء (XXVI) فقره (ب) بند (۲) ماده ۸ و جزء (vii) فقره پنجم بند ۲ ماده ۸ مراجعه شود).

^۱ مذاکرات بشر دوستانه ملل متحد با گروه های مسلح: یک کتاب راهنما برای متخصصین مربوطه، گیرارد مک هاک و مانیول بیسلر، دفتر هماهنگی امور بشر دوستانه (OCHA)، نیویورک، جنوری ۲۰۰۶. به بخش ۳.۲ مشخصات گروه های مسلحانه مراجعه گردد.

غیرنظامی / رزمنده تحت حمایت: به موجب مقررات حقوق بشر دوستانه بین المللی، کسانی "غیرنظامی" به حساب می آیند که مبارز (عضو نیروهای نظامی یا شبه نظامی) نبوده و یا عضو گروه های مسلح سازمان یافته یکی از طرف های درگیر نباشند و یا جزئی از قیام گسترده^۲ نباشند. در صورتی که غیر نظامیان بطور مستقیم در درگیری های نظامی شرکت کنند، محافظت خویش را ممکن از دست بدهند. نظامیان و جنگجویانی که از صفوف جنگ خارج شده (مجروح، مریض، اشخاصی که کشتی شان غرق می شود، بازداشت شده و یا تسلیم می گردند) و یا کسانی که مربوط به بخش های صحی یا مذهبی نیروهای مسلح باشند، باید در برابر حملات محافظت شوند.

COM-ISAF: فرمانده نیروی های بین المللی یاری به امنیت در افغانستان (یا آیساف).

EOF Incidents: حادثات مربوط به افزایش عکس العمل نیروها در مقابل یک پدیده مشکوک است، که تحت عنوان "محافظت از نیروها" نیز یاد شده است. زمانی که افراد در هنگام نزدیک شدن به کاروان های نظامی یا سبقت گرفتن از آن به هشدار افراد نظامی توجه نکنند و یا هم در پوسته های تلاشی از دستورالعمل ها سرپیچی نمایند، این حوادث اتفاق می افتد. آیساف افزایش عکس العمل نیروها را چنین تعریف می کند: «یک پروسه دفاعی است که هدف آن تعیین وجود یک تهدید، تعیین حدود نهایی آن تهدید بوده و در صورت ضرورت رویارویی با تهدید از طریق پاسخ دفاعی مناسب به آن برای حفاظت از نیروها می باشد.» (مقر فرماندهی آیساف، ۳۱ جنوری ۲۰۱۴).^۳

ERW: بقایای مواد انفجاری از دوران جنگ که به نام مواد منفجر ناشده و مواد انفجاری متروک نیز یاد می گردد.

IDP: بیجا شدگان داخلی.

مواد انفجاری تعبیه شده: یعنی بمبی که برخلاف روش متعارف نظامی ساخته و یا جاسازی شده باشد. مواد انفجاری تعبیه شده می تواند به اشکال ذیل مشاهده شود: "بصورت بمب انتحاری، مانند مواد انفجاری پوشیده شده توسط شخص، مواد انفجاری تعبیه شده کنترل از طریق رادیو (راه دور)، مواد انفجاری جاسازی شده در موتر، مواد انفجاری جاسازی شده در موتر همراه با انتحاری، موتر انفجاری که انفجار آن از طریق لین کنترل می شود، مواد انفجاری که با تماس قربانی خودش فعال می گردد و یا مواد انفجاری بشقاب ماندی که با آوردن فشار منفجر می گردد."

استحصال مواد انفجاری: استحصال و بهره برداری مواد انفجاری تعبیه شده شامل موارد ذیل می گردد: تشخیص، جمع آوری، تولید و توزیع نمودن معلومات جمع آوری شده از ساحه حادثه مواد

^۲ قیام گسترده به کنوانسیون سوم جنیوا اشاره دارد: "ساکنان یک سرزمین اشغال نشده، که در رویارویی با دشمن به سرعت اسلحه به دست می گیرند تا در مقابل نیروهای متجاوز مقاومت کنند، بدون آنکه وقت داشته باشند که خود را در قالب واحدهای مسلح منظم

در آورند، مشروط به اینکه آنها سلاح را علنا حمل نموده و مقررات و عرفهای جنگ را رعایت کنند. (ماده ۴ (۱) (۶))"

^۳ مصاحبه یوناما با آیساف، ۳۱ جنوری ۲۰۱۴، کابل.

انفجاری به منظور به دست آوردن اطلاعات قابل استفاده، بخاطر تقویت طرزالعمل و میتود مبارزه با مواد انفجاری و به جهت کاهش منابع شورشیان و بخاطر تقویت پروسه تعقیب عدلی آنها. این استحصال شامل حفظ، تشخیص و ترمیم عناصر مواد انفجاری تعبیه شده برای آزمایش های تخنیکی، قانونی، بایومتریکی و تحلیلی گردیده که توسط نهادهای متخصص انجام می گیرد. استحصال مواد انفجاری تعبیه شده یک بخش اساسی اقدامات مؤثر و قوی علیه مواد انفجاری می باشد.

حادثات (Incidents): زمانی صورت می گیرد که افراد ملکی در اثر درگیری های نظامی تلف شوند. گزارش تلفات ناشی از فعالیت های مجرمانه، شامل گزارشات تلفات افراد ملکی یوناما نمی شود.

IHL: حقوق بشر دوستانه بین المللی.

IM Forces: "نیروهای نظامی بین المللی" شامل تمام سربازان خارجی می گردد که بخشی از نیروهای آیساف و نیروهای امریکایی مستقر در افغانستان را تشکیل می دهند، بشمول نیروهای مربوط به عملیات تحکیم آزادی که تحت فرماندهی فرمانده آیساف که خود فرمانده نیروهای امریکایی در افغانستان است، قرار دارند. در ضمن این واژه آنعده از نیروهایی را نیز در بر می گیرد که تحت فرماندهی آیساف عمل نکرده و شامل تعداد نیروهای ویژه و دیگر نیروهای استخباراتی و امنیتی خارجی میباشد.

Injuries: به معنای جراحات جسمی با میزان شدت متفاوت یاد می گردد. میزان شدت جراحات ها در دیتابیس بخش حقوق بشر یوناما ثبت نمی شود. جراحات ها شامل شوک یا صدمه های غیر فیزیکی و روانی و یا نتایجی که از اثر حادثات به بار می آید مانند ضربه روحی، نمی گردد.

ISAF: نیروهای بین المللی کمک به امنیت در افغانستان. آیساف بر اساس فصل ۷ منشور ملل متحد مأموریت تأمین صلح را به عهده دارد. این نیروها تحت صلاحیت شورای امنیت ملل متحد اعزام شده است. در اگست ۲۰۰۳، ناتو بر اساس درخواست دولت افغانستان و ملل متحد، فرماندهی آیساف را به عهده گرفت. نیروهای آیساف تا تاریخ ۱۵ جنوری سال ۲۰۱۴؛ تقریباً شامل ۵۷۰۰۴ نفر از ۴۹ کشور مساعدت کننده نیرو می گردید که در شش سلسله فرماندهی ساحوی به علاوه مقر فرماندهی آیساف در کابل مستقر می باشند. از نومبر ۲۰۰۸ بدین سو، فرمانده آیساف به عنوان فرمانده نیروهای امریکایی در افغانستان نیز خدمت می کند، در حالیکه سلسله فرماندهی هر دو نیرو جداگانه می باشد. قطعنامه ۲۱۲۰ (۲۰۱۳) شورای امنیت یکبار دیگر بر قطعنامه های قبلی در مورد تمدید مأموریت آیساف به مدت ۱۲ ماه دیگر الی ۳۱ دسمبر سال ۲۰۱۴ تأکید می نماید.

MoI: وزارت امور داخله.

NATO: سازمان پیمان اتلانتیک شمالی. اعضای ناتو عمده ترین کشور های سهم در آیساف می باشند. به آیساف مراجعه شود.

NDS: ریاست امنیت ملی افغانستان یا استخبارات دولتی افغانستان.

NGO: سازمان غیر دولتی.

Pro-Government Forces (PGF): نیروهای طرفدار دولت (نیروهای دولتی و همکاران بین المللی شان): این نیروها تمام نیروهای دولتی و سایر نیروهایی را در بر می گیرد که در عملیات ضد تروریسم در قالب نیروهای نظامی و شبه نظامی فعالیت میکنند و بطور مستقیم یا غیر مستقیم تحت کنترل دولت افغانستان می باشند. این نیروها شامل دسته های ذیل می گردد، ولی محدود به اینها نیستند: اردوی ملی، پولیس ملی، پولیس سرحدی، نیروهای ریاست امنیت ملی، پولیس محلی و سایر نیروهای محافظتی محلی.

نیروهای امنیتی افغانستان شامل دسته های ذیل می گردد: اولاً اردوی ملی که تحت چتر وزارت دفاع کار نموده و بطور رسمی در چارچوب نیروهای مسلح افغانستان جا می گیرد. ثانیاً پولیس محلی که با توجه به وظیفه شان و اینکه از محافظت قانونی مشابه به افراد ملکی بر خوردار نمی باشد، عملاً بخشی از نیروهای مسلح را تشکیل می دهد. و نیز پولیس ملی، پولیس های با یونیفورم و پولیس سرحدی نیز شامل می شود که به شکل رسمی بخشی از نیروهای مسلح افغانستان بشمار نمی رود و تحت چتر وزارت داخله کار می نمایند. اعضای نهادهای مجری قانون زمانی حیثیت ملکی بودن خود را از دست می دهند که در کنار نیروهای مسلح کار کرده و یا به شکل مستقیم در جنگ ها سهم بگیرند. پولیس هایی که علیه آنها حمله صورت می گیرد و آنها از خود دفاع می نمایند، حیثیت ملکی بودن خود را از دست نمی دهند.

این اصطلاح همچنین شامل نیروهای بین المللی و سایر نیروهای استخباراتی و امنیتی خارجی نیز می شود (به نیروهای بین المللی نگاه کنید).

SOP: طرز العمل های معیاری عملیات.

قتل های هدفمند: قتل های هدفمند یا کشتار سازمان یافته زمانی گفته می شود که دولت و عناصر دولتی که تحت چتر قانون کار می کنند (و یا عین عمل توسط گروه سازمان یافته در یک منازعات مسلحانه) از نیروی کشنده به شکل عمدی، قصدی و با پلان از قبل طرح شده اشخاص معینی را که بطور فزیکتی که در تحت توقیف مرتکبین قرار ندارند، به قتل برساند. هر چند در بسیاری از حالات کشتار هدفمند و سازمان یافته حق حیات را نقض می کند، اما در بعضی از شرایط استثنایی جنگ مسلحانه ممکن قانونی باشد مشروط به آنکه مقررات مربوط حقوق بشردوستانه و حقوق بشر بین المللی مورد احترام قرار گیرد.^۴

UNDSS: دفتر مصئونیت و امنیت ملل متحد.

UNAMA: هیئت معاونت ملل متحد در افغانستان.

UNHCR: کمیشنری عالی ملل متحد در امور مهاجرین.

USSOF: نیروهای عملیات های ویژه ایالات متحده امریکا.

^۴ به گزارش گزارشگر ویژه در مورد قتل های فرا قضایی و خود سرانه، در فقره ۳ صورت جلسه چهاردهمین جلسه شورای حقوق بشر مجمع عمومی سازمان ملل متحد مراجعه گردد. فلیپ آلسون. ضمیمه "مطالعه قتل های سازمان یافته" A/HRC/14/24/Add.6. 10 May 2010

UXO: مواد منفجر ناشده.

جرایم جنگی: جرایم جنگی، تخطی های شدید از معاهدات و نورم های عرفی حقوق بشردوستانه بین المللی است. بر اساس تعریفی که از جرایم جنگی در اساسنامه محکمه بین المللی جنائی صورت گرفته؛ جرایم جنگی^۵ شامل تخطی های جدی از ماده ۳ مشترک در کنوانسیون های ژنیو می باشد؛ بشمول خشونت علیه زندگی و حیات یک شخص و بطور مشخص هر نوع قتل، قطع عضو، رفتار ظالمانه و تعذیب، هتک حرمت در برابر کرامت انسانی بخصوص رفتار های توهین و تحقیر آمیز، گروگان گیری، تصویب مجازات و ارتکاب قتل بدون اینکه جزای مربوطه توسط یک محکمه مبتنی بر قانون اعلان شده باشد و اینکه قتل، بدون در نظر داشت فرایند محاکماتی، و نیز بدون فراهم نمودن تضمینات قضائی که آن تضمینات بطور عموم حیاتی تلقی می گردد، صورت گرفته باشد.

^۵ مطابق ماده ۸ اساسنامه محکمه بین المللی جنائی: حقوق عرفی بین المللی هم بر جنگ بین المللی و هم بر جنگ داخلی قابل اعمال می باشد. همچنین این اساسنامه جرایم جنگی را نقض شدیدی حقوق بشر دوستانه بین المللی تعریف می نماید. دولت ها نیز قاعده متذکره را به عنوان یک نورم حقوق عرفی بین المللی به رسمیت شناخته است - قاعد ۱۵۶ - تعریف جرایم جنگی - کمیته بین المللی صلیب سرخ، حقوق عرفی بشردوستانه بین المللی، جلد ۱، Rules ed. Jean-Marie Henckaerts and Louise Doswald-Beck (CU P/ICRC, Cambridge 2005) {ICRC Study}. به پروتکل الحاقی دوم، فقره ۲ ماده ۱۳ مراجعه گردد. هم چنان به جزء آی، بند سی، فقره ۲ ماده ۸ اساسنامه روم در مورد محکمه جنائی بین المللی که از عناصر جرم بحث کرده، مراجعه گردد. جرایم جنائی شامل نقض های شدیدی حقوق و عرف جنگی قابل اعمال بر یک جنگی که وجه بین المللی ندارد (که این موضوع مقدمتاً مبتنی است بر: {ماده سوم مشترک در کنوانسیون های چهارگانه ۱۹۴۹ ژنیو، پروتکل الحاقی دوم ۱۹۷۷ آن، پروتکل اختیاری ۱۹۹۹ کنوانسیون ۱۹۵۴ هاک برای محافظت از مالکیت های فرهنگی در جنگ های مسلحانه، کنوانسیون ۱۹۸۹ حقوق طفل، کنوانسیون ۱۹۹۴ امنیت ملل متحد و کارمندان مربوطه، اساسنامه های دیوان جنائی بین المللی برای رواندا و یگوسلاویای سابق و اساسنامه محکمه ویژه برای حکومت سیرالیون (کشوری در غرب افریقا)}. به جرایم جنگی بر اساس اساسنامه روم در مورد محکمه جنائی بین المللی و منابع شان در جدول مقایسوی حقوق بشر دوستانه بین المللی مراجعه گردد. خدمات مشاورت کمیته بین المللی صلیب سرخ در مورد حقوق بشر دوستانه بین المللی. اساسنامه محکمه جنایی بین المللی (اساسنامه روم) جرایم جنگی را چنین تعریف می نماید: نقض شدیدی حقوق و عرف قابل اعمال در جنگ بین المللی و نیز نقض جدی حقوق و عرف قابل اعمال در جنگی که وجه بین المللی ندارد را جرایم جنگی گوید. جرایم جنگی شامل نقض شدیدی ماده ۳ کنوانسیون ژنیو بشمول تخطی علیه حیات یک شخص، بطور مشخص تمام انواع قتل، قطع عضو، تعذیب و رفتارهای ظالمانه، تخطی علیه کرامت انسانی بطور مشخص تحقیر و توهین کردن، گروگان گرفتن، تصویب مجازات و ارتکاب قتل بدون اینکه جزای مربوطه توسط یک محکمه مبتنی بر قانون اعلان شده باشد. و اینکه قتل، بدون در نظر داشت فرایند محاکماتی، و نیز بدون فراهم نمودن تضمینات قضائی که آن تضمینات بطور عموم حیاتی تلقی می گردد، صورت گرفته باشد.

فهرست

i	میتودولوژی یا روش شناسی
ii	چارچوب حقوقی
ii	مسئولیت های حقوقی طرف های درگیر در جنگ مسلحانه
۱	خلاصه گزارش
۱۱	پیشنهادات

میتودولوژی یا روش شناسی

یوناما تا حدی که امکان دارد با اجرای تحقیقات در ساحه رویدادها، با انجام مشوره با یک سلسله منابع متنوع و با توجه به انواع اطلاعاتی که با اطمینان و با اعتبار ارزیابی می گردد، گزارش ها در مورد تلفات افراد ملکی را تحقیق می نماید. در زمان تحقیق و بررسی هر رویداد، یوناما نهایت تلاش خود را بکار می برد تا اطلاعات بدست آمده را تا جایی که ممکن است با منابع متنوع بشمول "شاهدان عینی، افراد آسیب دیده، فعالین نظامی (بشمول دولت افغانستان و نیروهای نظامی بین المللی)، مسؤولین محلی در روستاها، ولسوالی ها و ولایات، رهبران مذهبی و اجتماعی را بررسی مجدد نموده و به اثبات برساند. این معلومات از طریق بازدید مستقیم، آزمایش فیزیکی اقلام و شواهد جمع آوری شده از محل حادثه، بازدید از شفاخانه و دیگر مراکز صحی، عکس ها و تصاویر ویدیویی، گزارش ریاست مصئونیت و امنیت ملل متحد و دیگر نمایندگی های آن، گفته های منابع دست دوم، گزارش رسانه ها و اطلاعات جمع آوری شده از سوی نهادهای غیر دولتی و طرف های سوم" به دست می آید.

تا جایی که ممکن باشد، تحقیقات بر اساس شهادت اولیه قربانیان، شاهدان صحنه و تحقیقات در محل صورت می گیرد. در بعضی موارد، بخصوص جایی که به علت محدودیت های امنیتی دسترسی امکان ندارد، این گونه تحقیقات در ابتدا امکان پذیر نیست. در این گونه موارد، یوناما بر یک سلسله تکنیک ها برای جمع آوری اطلاعات، بخصوص از طریق شبکه های معتبر و باز هم از طریق یک سلسله منابع متنوعی که آن منابع معتبر ارزیابی گردیده، اتکاء می کند.

هرگاه اطلاعات مربوط به یک رویداد برای یوناما قناعت بخش نباشد، در آنصورت رویداد متذکره گزارش داده نمی شود. در بعضی موارد، تحقیقات چندین هفته را در بر گیرد قبل از آنکه نتیجه گیری صورت گیرد. این مسئله بدین معناست که نتیجه گیری ها در یک گزارش در مورد تلفات ملکی ناشی از یک رویداد میتواند با کسب اطلاعات بیشتر دوباره بررسی گردیده و در تحلیل ها گنجانیده شود. هرگاه اطلاعات واضح و روشن نباشد، در آنصورت تا زمان کسب مدارک قناعت بخش، نتیجه گیری صورت نمی گیرد و یا بدون نتیجه گیری قضیه بسته می گردد و نیز در گزارشی که از ارقام تلفات افراد ملکی تذکر به عمل می آید، قضایای بسته شده گنجانیده نمی شود.

در بعضی موارد غیر متخاصم بودن قربانیان گزارش داده شده را نمی توان بطور قطعی مشخص ساخت و یا مورد اختلاف می باشد. در این گونه موارد، یوناما از معیارهای قابل اعمال حقوق بشر دوستانه بین المللی استفاده نموده و طوری فرض نمی کند که مردانی که در سن جنگ قرار دارند ملکی اند یا جنگجو، بلکه این گونه ادعاهای مربوط به ملکی یا جنگجو بودن قربانیان را بر اساس واقعیت های موجود در مورد همان رویداد ارزیابی می کند. هرگاه وضعیت یک یا چند قربانی نامشخص باقی می ماند، در آنصورت مرگ آنها در شمار مجموع تلفات افراد ملکی گنجانیده نمی شود.

یوناما یک دیتابیس را در سال ۲۰۰۹ میلادی ایجاد نمود تا تحلیل ها و گزارش های خود در مورد محافظت از غیر نظامیان در درگیری های مسلحانه را تقویت کند. این دیتابیس بخاطر تسهیل جمع آوری

اطلاعات به شکل منظم، تحلیل و ارزیابی منسجم و مؤثر اطلاعات، منجمله تفکیک اطلاعات بر اساس سن، جنس، مرتکبین حادثه، تاکتیک، نوع سلاح و دسته بندی های دیگر طراحی شده است.

یوناما نهایت تلاش می نماید تا حد امکان طرف مسؤل یک حادثه مشخص را معین نماید. هر چند به علت محدودیت های ناشی از محیط عملیات ها، مانند ماهیت مشترک بعضی از عملیات های نظامی و عدم توانایی منابع اولیه در بسیاری از رویدادها برای تشخیص دقیق یا تفکیک میان طرفهای مختلف نظامی و شورشیان یا زمانی که هیچ یک از طرف ها مسؤلیت را به عهده نمی گیرند، در همچو موارد یوناما مسؤلیت یک رویداد مشخص را به دسته بندی عمومی نیروهای طرفدار دولت و یا عناصر ضد دولتی نسبت میدهد. یوناما ادعا نمی کند که ارقام ارائه شده در این گزارش کامل می باشد؛ اما این احتمال وجود دارد که یوناما تلفات افراد ملکی را با توجه به محدودیت های مرتبط به محیط جنگی کمتر گزارش داده باشد.

چارچوب حقوقی

چارچوب حقوقی که برای این گزارش استفاده گردیده است؛ شامل قواعد حقوق بشر بین المللی، حقوق بشر دوستانه بین المللی، حقوق جزای بین المللی، قوانین ملی و قطعنامه های نافذ شورای امنیت سازمان ملل متحد در افغانستان، می گردد.^۶ تمام اسناد فوق الذکر، تعهداتی را به ارتباط محافظت افراد ملکی در جریان جنگ در افغانستان بوجود آورده که این تعهدات در بخش بعدی تشریح می گردد.

مسؤلیت های حقوقی طرف های درگیر در جنگ مسلحانه

یوناما بر این نظر است که جنگ افغانستان یک نبرد داخلی بوده که در آن دولت افغانستان و نیروهای امنیتی شان با حمایت نیروهای نظامی بین المللی (که در این گزارش و در داخل افغانستان به عنوان "نیروهای دولتی و همکاران بین المللی شان" به آن اشاره می شود) با گروه های مسلح غیر دولتی (که در این گزارش و در داخل افغانستان به عنوان "عناصر ضد دولتی" به آن اشاره می شود) مصروف جنگ می باشد.

نیروهای طرفدار دولت

نیروهای طرفدار دولت (نیروهای دولتی و همکاران بین المللی شان): این نیروها تمام نیروهای دولتی و سایر نیروهایی را در بر می گیرد که در عملیات ضد تروریسم در قالب نیروهای نظامی و شبه نظامی فعالیت میکنند و بطور مستقیم یا غیر مستقیم تحت کنترل دولت افغانستان می باشند. این نیروها شامل دسته های ذیل می گردد، ولی محدود به اینها نیستند: اردوی ملی، پولیس ملی، پولیس سرحدی، نیروهای ریاست امنیت ملی، پولیس محلی و سایر نیروهای محافظتی محلی.

نیروهای امنیتی افغانستان شامل دسته های ذیل می گردد: اولاً اردوی ملی که تحت چتر وزارت دفاع کار نموده و بطور رسمی در چارچوب نیروهای مسلح افغانستان جا می گیرد. ثانیاً پولیس محلی که با توجه به

^۶ قطعنامه نمبر ۲۰۹۶ سال ۲۰۱۳ شورای امنیت ملل متحد مسؤلیت های تمام طرفهای درگیر را جهت اطاعت از مقررات حقوق بین المللی (حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه بین المللی) برجسته می سازد. و نیز از طرفهای درگیر می خواهد که اقدامات مناسبی را روی دست گیرد تا از محافظت افراد ملکی اطمینان حاصل گردد.

وظیفه شان و اینکه از محافظت قانونی مشابه به افراد ملکی بر خوردار نمی باشد، عملاً بخشی از نیروهای مسلح را تشکیل می دهد. و نیز پولیس ملی، پولیس های با یونیفورم و پولیس سرحدی نیز شامل می شود که به شکل رسمی بخشی از نیروهای مسلح افغانستان بشمار نمی رود و تحت چتر وزارت داخله کار می نمایند.

اعضای نهادهای مجری قانون زمانی حیثیت ملکی بودن خود را از دست می دهند که در کنار نیروهای مسلح کار کرده و یا به شکل مستقیم در جنگ ها سهم بگیرند. اگر علیه پولیس هایی که به هیچ عنوان نقش جنگی ندارند، حمله صورت می گیرد و آنها از خود دفاع می نمایند، آنها حیثیت ملکی بودن خود را از دست نمی دهند.

طبقه بندی "نیروهای طرفدار دولت" ممکن است شامل گروه هایی شود که درگیر در مخاصمه مسلحانه هستند، زمانی که این گروه ها به طور موثر قسمتی از نیروهای مسلح یک طرف درگیر در مخاصمه را تشکیل می دهند، به عنوان مثال زمانی که عملیات های امنیتی و ضد شورش را تحت امر غیر رسمی یک مقام دولتی، مانند قومندان امنیه یا افسر امنیت ملی یا ولسوال انجام می دهند.

این اصطلاح همچنین شامل نیروهای بین المللی و سایر نیروهای استخباراتی و امنیتی خارجی نیز می شود.

عناصر ضد دولتی

عناصر ضد دولتی یک اصطلاحی هست که به افراد و گروه های مسلح غیر دولتی که در حال حاضر در جنگ ها دخیل بوده و در مخالفت با نیروهای حکومتی و بین المللی می جنگند، خطاب می گردد. اینها نیروهای طالبان و هم چنان افراد و گروه های مسلح منسجم غیر دولتی را که بطور مستقیم در جنگ ها سهم می گیرند و به نام های مختلف مانند شبکه حقانی، حزب اسلامی گلبدین حکمتیار، جنبش ملی ازبکستان، اتحاد جهاد اسلامی، لشکر طیبه و جیش محمد یاد می شوند، شامل می گردد.

دسته بندی عناصر ضد دولتی، گروه های مجرمین مسلح را شامل نمی گردد، مگر اینکه همچون گروهها بطور مستقیم در منازعات مسلحانه از جانب یک طرف درگیر در جنگ دخیل گردند.^۷

تمام طرفهای درگیر در منازعه یعنی نیروهای امنیتی افغان، نیروهای نظامی بین المللی و گروه های مسلح غیر دولتی، بر اساس حقوق بین الملل، مسؤولیت آشکار در قبال محافظت از افراد ملکی دارند.

الف) مکلفیت ها بر اساس حقوق بشر دوستانه بین المللی

افغانستان عضو کنوانسیونهای چهارگانه ۱۹۴۹ ژنو و عضو پروتکل الحاقی دوم ۱۹۷۷^۸ می باشد که در آن به محافظت غیرنظامیان در درگیری های مسلحانه داخلی پرداخته شده است. این پروتکل حمله علیه افراد ملکی و حمله بر اهدافی که موجودیتش برای نجات جمعیت غیرنظامی ضروری است را منع می نماید.

^۷ این بخش "تعاریف" چارچوب حقوقی را تعقیب می کند که در منابع زیر آمده است: تعریف جنگجو، فصلهای ۲.۴ تا ۳.۴. تنظیم شده در وزارت دفاع انگلستان؛ کتاب راهنما در مورد حقوق جنگ، انتشارات دانشگاه اکسفورد، اکسفورد ۲۰۰۴؛ و کمیته بین المللی صلیب سرخ، حقوق عرفی بشر دوستانه بین المللی، قاعد ۳. تمام اعضای نیروهای مسلح یک طرف درگیر در جنگ به، استثنای کارمندان طبی و مذهبی، جنگجو تلقی می گردد.

ماده ۳ مشترک در کنوانسیونهای چهارگانه ۱۹۴۹ ژنو، حداقل معیارهایی که طرف های درگیر بشمول دولت ها و طرفهای غیر دولتی درگیر در یک جنگ مسلحانه داخلی باید رعایت کنند را تعیین نموده است. ماده ۳ مشترک، از طریق منع قرار دادن صریح قتل^۹، خشونت، قتل های فرا قضائی، تعذیب، قطع عضو و سایر انواع خشونت^{۱۰}. این رفتارها را، همیشه در هر زمان و مکانی منع قرار داده است.

قواعد متعددی در کنوانسیونهای چهارگانه ۱۹۴۹ ژنو و پروتکل های الحاقی آن، بخشی از حقوق عرفی بین المللی را تشکیل میدهد^{۱۱}. مرتبط ترین اصولی که بر رفتار نیروهای مسلح افغان، نیروهای نظامی بین المللی و گروه های مسلح غیر دولتی به عنوان طرف های درگیر در جنگ داخلی افغانستان قابل اعمال می باشد، به شرح ذیل می باشد:

- اصل تشخیص یا تفکیک: جمعیت غیر نظامی و همچنین افراد ملکی نباید مورد حمله قرار گیرند^{۱۲}.
- اصل تناسب: "حمله ای که احتمال تلفات اتفاقی افراد ملکی، جراحت به غیرنظامیان، صدمه به اهداف ملکی و یا ترکیبی از آنها در آن وجود داشته باشد، که از منفعت محسوس و مستقیمی که از بُعد نظامی بدست می آید، فراتر رود، منع گردیده است"^{۱۳}.
- اصل احتیاط در حمله: "...غیرنظامیان در برابر هر گونه خطر ناشی از عملیات های نظامی باید از مصونیت همه جانبه برخوردار باشند"^{۱۴}. در زمان انجام عملیات نظامی، "باید مراقبت دائمی صورت گیرد

۸. افغانستان، پروتکل الحاقی دوم ۱۹۷۷ را به تاریخ ۱۰ نومبر ۲۰۰۹ تصویب نمود که پروتکل موصوف به تاریخ ۲۴ دسامبر ۲۰۰۹ نافذ گردید.

۹. در مورد جرم جنگی قتل، طوریکه توسط اساسنامه روم در مورد محکمه جنائی بین المللی، تعریف گردیده است، یوناما اصطلاح "قتل عمدی افراد ملکی" را طوری استفاده می نماید که اصطلاح متذکره شامل قتل های هدفمند شود تا عملی را توصیف کند که به حد جرایم جنگی ناشی از قتل میرسد و طوریکه از جنایت ناشی از قتل توسط افراد خصوصی خارج از حیطه منازعات مسلحانه، متمایز گردد. اصطلاحاتی چون "قتل های هدفمند"، "قتل های فرا قضائی" و "قتل عمدی" بعضی موقع به این خاطر استفاده می گردد که قتل عمدی افراد ملکی توسط طرفهای جنگ مسلحانه در حیطه منازعات مسلحانه داخلی در افغانستان، را توضیح دهد. قتل هدفمند محدود به افراد ملکی نیست، بلکه یک نیروی رزمنده نیز می تواند هدف یک قتل هدفمند قرار گیرد.

۱۰. ماده ۳ مشترک در کنوانسیون چهارگانه ۱۲ اگست ۱۹۴۹ بر یک جنگی که خصیصه بین المللی ندارد، قابل اعمال می باشد. در صورت بروز جنگ مسلحانه داخلی در قلمروی یکی از دولت های طرف کنوانسیون، هر یکی از طرف های درگیر باید بر اعمال حداقل معیارهای ذیل ملزم باشد: (۱) اشخاصی که به شکل فعال در جنگ سهم نمی گیرند، بشمول اعضای نیروهای مسلحی که سلاح های شان را به زمین گذاشته اند و کسانی که بخاطری مریضی، جراحت، توقیف شدن یا سایر عوامل، غیر نظامی تلقی می گردند؛ باید با آنها در تمام حالات برخورد انسانی صورت بگیرد، بدون اینکه تمایزی از لحاظ نژاد، زنگ، مذهب، دین، جنس، تولد یا سرمایه یا سایر معیارهای مشابهی، قابل گردد. بدین لحاظ رفتارهای ذیل باید همیشه و در هر زمان و مکانی بخاطر احترام به افراد فوق الذکر، ممنوع تلقی گردد: الف) خشونت علیه حیات و تمامیت افراد، و بطور مشخص تمام انواع قتل ها، قطع عضو، رفتار ظالمانه و شکنجه؛ ب) گروگان گیری؛ ج) تخطی علیه کرامت انسانی، و بطور مشخص تحقیر و توهین کردن؛ د) تعیین مجازات و اجرای اعدام بدون اینکه جزای مربوطه توسط یک محکمه منظم مبتنی بر قانون اعلان شده باشد و نیز اعدام هایی که بدون در نظر داشت فرایند محاکماتی، و نیز بدون فراهم نمودن تضمینات قضائی که آن تضمینات بطور عموم حیاتی تلقی می گردد، صورت گرفته باشد.^{۱۱} به کمیته بین المللی صلیب سرخ، حقوق عرفی بشر دوستانه بین المللی، نویسندگان، جان ماری هینکارتز و لوئیس دوسوالد بک (CU P/ICRC, Cambridge 2005) مطالعه کمیته بین المللی صلیب سرخ، مراجعه گردد.

^{۱۲}. پروتکل الحاقی ۲، بند (۲) ماده ۱۳

^{۱۳}. پروتکل الحاقی ۱، بند (ب) فقره (۵) ماده ۵۱. جهت اطلاعات بیشتر به ماده ۵۷ در مورد احتیاط در حمله مراجعه کنید.

^{۱۴}. پروتکل الحاقی ۲، بند (۱) ماده ۱۳

تا جمعیت غیر نظامی و اهداف ملکی را تفکیک نمود" و از هر گونه احتیاط ممکن کار گرفته شود تا از "هر گونه تلفات اتفاقی افراد ملکی، جراحت به آنها و صدمه به اهداف غیر نظامی جلوگیری شده و یا به حداقل رسانده شود"^{۱۵}

همه کشورهایی که در تشکیل نیروهای نظامی بین المللی در افغانستان سهم دارند، امضاء کنندگان کنوانسیونهای چهارگانه ۱۹۴۹ ژنو می باشند. هرچند تمام کشورهای کمک کننده نظامی، امضاء کننده پروتکل الحاقی اول و پروتکل الحاقی دوم ۱۹۷۷ نیستند، اما تمام این نیروها به آن قواعد حقوقی مربوطه که بخشی از حقوق عرفی بین المللی را تشکیل میدهد، مقید می باشند.

ب) مکلفیت ها بر اساس قواعد بین المللی حقوق بشر

قواعد بین المللی حقوق بشر هم در زمان جنگ و هم در زمان صلح قابل اعمال می باشد. قواعد بین المللی حقوق بشر همراه با حقوق بشر دوستانه بین المللی به شکل متمم و مکمل هم دیگر یکجا تطبیق می گردد.

افغانستان امضاء کننده تعداد زیادی از معاهدات بین المللی حقوق بشر^{۱۶}، بشمول کنوانسیون بین المللی حقوق سیاسی و مدنی می باشد که این کنوانسیون، دولت افغانستان را متعهد می سازد تا حقوق بشری تمام شهروندان را در داخل سرحدات یا حوزه صلاحیت شان تأمین نموده و از آن محافظت نماید.

در حالیکه طرفهای غیر دولتی در افغانستان، بشمول گروه های مسلح غیر دولتی، نمی توانند بصورت رسمی طرف معاهدات بین المللی حقوق بشر قرار بگیرند، اما طرفهای غیر دولتی که به شکل غیر رسمی بر بعضی ساحات کنترل دارند، مانند طالبان، به طور روزافزونی ملتمز به تعهدات بین المللی حقوق بشر پنداشته می شوند.^{۱۷}

بر اساس قواعد بین المللی حقوق بشر که در جریان جنگ قابل اعمال می باشد، دولت ها وظیفه دارند تا استفاده از نیروی کشنده توسط عواملشان را مورد بررسی قرار دهند،^{۱۸} بخصوص آن افرادی که مجریان و تطبیق کنندگان قانون تلقی می گردد. این وظیفه همراه با مسؤولیتی که از عدم انجام آن ناشی می شود، از

^{۱۵} پروتکل الحاقی ۱، بند های (الف) و (ii) فقره ۲ و فقره (۱) ماده ۵۷.

^{۱۶} افغانستان عضو کنوانسیون ها و معاهدات ذیل می باشد: میثاق بین المللی حقوق سیاسی و مدنی، مصوب ۲۴ اپریل ۱۹۸۳. میثاق بین المللی حقوق فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی، مصوب ۲۴ اپریل ۱۹۸۳. میثاق بین المللی محوی هرگونه تبعیض نژادی مصوب ۵ اگست ۱۹۸۳. کنوانسیون منع هرگونه خشونت علیه زنان، مصوب ۵ مارچ ۱۹۸۳. کنوانسیون منع شکنجه و انواع رفتار ظالمانه، برخورد یا مجازات تحقیر آمیز یا غیر انسانی، مصوب ۲۶ جون ۱۹۸۷. کنوانسیون حقوق کودکان مصوب ۲۷ اپریل ۱۹۹۴. پرتوکول اختیاری کنوانسیون حقوق کودک در مورد فروش، هرزه گری و هرزه نگاری کودکان، مصوب ۱۹ اکتوبر ۲۰۰۲. و همچنین پرتوکول اختیاری بر کنوانسیون حقوق کودک در مورد مشارکت کودک در درگیری های نظامی مصوب ۲۴ سپتمبر ۲۰۰۳. منبع:

http://www.aihrc.org.af/English/Eng_pages/X_pages/conventions_af_z_party.html

^{۱۷} به گزارش هیئت از کارشناسان سرمنشی عمومی ملل متحد در بخش پاسخ دهی در سریلانکا، مورخ ۳۱ مارچ ۲۰۱۱، پراگراف ۱۸۸ مراجعه کنید. همچنین به گزارش کمیسیون بین المللی بازرسی سرمنشی عمومی ملل متحد در مورد تحقیق بر تمام تخلفات از مقررات حقوق بشر دوستانه بین المللی در جمهوری عربی لیبیا تحت عنوان A/HRC/17/44 مورخ ۱ جون ۲۰۱۱ مراجعه کنید.

^{۱۸} به پراگراف ۹، ۱۰ و ۱۷ اصول ملل متحد در مورد تحقیق قتل های خود سرانه و غیر قانونی و جلوگیری مؤثر از آن که به تاریخ ۲۴ ماه می سال ۱۹۸۹ توسط قطع نامه شورای اجتماعی و اقتصادی (۱۹۸۹/۶۵) به تصویب رسید، مراجعه گردد.

حق حیات سرچشمه گرفته است.^{۱۹} تحقیقی که توسط دولت صورت می گیرد، باید عاجل صورت گرفته و نیز جامع، بی طرفانه و مستقل باشد، تا با ضرورت های یک تحقیق مؤثر همخوانی داشته باشد.^{۲۰} و نیز بر تحقیق متذکره باید عموم مردم دسترسی داشته باشند.^{۲۱} وظیفه دولت در قبال تحقیق این گونه قضایا، بر تمام قلمروهای تطبیق قانون اعمال می گردد، بشمول آن قضایایی که در جریان منازعات مسلحانه اتفاق می افتد. عساکر ممکن فعالیت های وسیع مرتبط به تطبیق قانون را در جریان جنگ مسلحانه انجام دهند.^{۲۲}

ج) مکلفیت ها بر اساس حقوق جزای بین المللی

افغانستان در سال ۲۰۰۳ میلادی اساسنامه روم در مورد محکمه جزایی بین المللی را امضا و قبول نمود. بنابراین، افغانستان در برابر تحقیق و پیگیری جرایم بین المللی یعنی جرایم جنگی، جرایم علیه بشریت و کشتار جمعی در حوزه قضایی محاکم خود مسئولیت اولیه دارد. در صورتی که افغانستان نمی تواند و یا نمی خواهد این کار را انجام دهد، در آن صورت محکمه جزایی بین المللی با توجه به صلاحیتش می تواند به قضیه ای که در افغانستان صورت گرفته، رسیدگی نماید.

^{۱۹}. به توضیحات عمومی ذیل کمیته حقوق بشر ملل متحد مراجعه نمایید:

UNHRC, General Comment No. 31 (2004), § 15; UNHRC, General Comment No. 6 (1982), § 4; ECtHR, *McCann case*, § 169; ECtHR, *Kaya case*, § 86; ECtHR, *Ergi v. Turkey*, Application No. 23818/94, Judgment of 28 July 1998, §§ 82, 86; ECtHR, *Isayeva v. Russia*, Application No. 57950/00, Judgment of 24 February 2005, §§ 208-9, 224-5; IACiHR, *Abella (La Tablada) case*, § 244; IACiHR, *Alejandro case*, § 47; ACiHPR, *Civil Liberties case*, § 22.

^{۲۰}. رجوع شود به:

IACiHR, *Abella (La Tablada) case*, § 412; ECtHR, *Özkan case*, § 184; ECtHR, *Orhan v. Turkey*, Application No. 25656/94, Judgment of 18 June 2002, § 335; ECtHR, *Isayeva et al. case*, § 210-11; ECtHR, *McCann case*.

^{۲۱}. رجوع شود به:

ECtHR, *Hugh Jordan v. the United Kingdom*, Application No. 24746/94, Judgment of 4 .

May 2001, § 109; ECtHR,

Özkan case, § 187; ECtHR, *Isayeva et al. case* § 213; ECtHR, *Isayeva case*, § 214.

^{۲۲}. رجوع شود به:

C. Droege, "Distinguishing Law Enforcement from Conduct of Hostilities" P57-63 Expert Meeting "Incapacitating Chemical Agents" Law Enforcement, Human Rights Law and Policy Perspectives Montreux, Switzerland 24 To 26 April 2012 Available at <http://www.icrc.org/eng/assets/files/publications/icrc-002-4121.pdf>; Nils Melzer, "Conceptual Distinction and Overlaps between Law Enforcement and the Conduct of Hostilities," in *The Handbook of the International Law of Military Operations* (Oxford: Oxford University Press, 2010), pp. 43-44. Nils Milzer, *Human Rights Implications Of The Usage Of Drones And Unmanned Robots In Warfare*, Directorate-General For External Policies Of The Union, Policy Department (2013) Available at <http://www.europarl.europa.eu/delegations/en/studiesdownload.html?languageDocume nt=EN&file=92953>

کشورهایی که نیروهای نظامی شان در تشکیل نیروهای نظامی بین المللی درگیر در جنگ افغانستان حضور دارد، نیز مسؤولیت دارند تا جرایم بین المللی مورد ادعا که ممکن توسط اتباع شان در افغانستان صورت گرفته را تحقیق و مورد پیگیری قرار دهند.^{۲۳}

به طور مشخص، دولت ها مسؤولیت دارند تا نقض فقره های (i) و (e) بند (۲) ماده ۸ اساسنامه روم در مورد محکمه جزایی بین المللی را تحقیق و مورد تعقیب عدلی قرار دهند. زیرا، در فقره های ماده متذکره چنین تصریح گردیده: "حملاتی که به شکل عمدی علیه جمعیت غیر نظامی هدایت داده می شود و یا اگر این گونه حملات علیه افراد ملکی که مستقیماً در خشونت ها سهم ندارند، صورت می گیرد"، جنایت جنگی در جنگ داخلی به شمار می آید.

قطعنامه ۱۳۲۵ شورای امنیت ملل متحد

همان طوریکه شورای امنیت ملل متحد در قطعنامه ۱۳۲۵ شان تأکید نموده است، اعمال کامل نورم های مربوط به حقوق بشر دوستانه بین المللی و حقوق بشر در مورد زنان و دختران و مد نظر گرفتن اقدامات ویژه برای محافظت زنان و دختران از خشونت های مبتنی بر جنسیت در جریان منازعه مسلحانه برای تمام دولت ها، ضروری پنداشته می شود.^{۲۴}

(د) مکلفیت ها بر اساس قوانین داخلی

اعضای نیروهای مخالف دولت و اعضای نیروهای نظامی دولت افغانستان بر اساس قوانین جزایی افغانستان می توانند مورد پیگرد قانونی قرار گیرند. هم چنان، نیروهای بین المللی نیز در برابر نقض قوانین ملی کشور متبوع شان مسؤول شناخته می شوند.

تعریف فرد ملکی

در زمینه قواعد حاکم بر روشها و ابزارهای جنگ، یوناما افراد ملکی را طوری تعریف می نماید که در حقوق بین المللی قبول شده باشد. سایرین و طرف های درگیر در منازعه افغانستان اصطلاح فرد ملکی را طوری تعریف می نمایند که در بخشهای بعدی مطرح خواهد گردید.^{۲۵}

یوناما تعریف "ملکی" را طوری بکار می برد که بتواند معیار های حقوق بشردوستانه بین المللی را منعکس نماید. در زمینه قواعد حاکم بر روشها و ابزارهای جنگ، "افراد ملکی" کسانی تلقی می شوند که به موجب حقوق بشردوستانه بین المللی، جنگجو (اعضای نیروهای نظامی یا شبه نظامی) یا عضو گروه

^{۲۳} . صرف نظر از اینکه دولت ها اساسنامه روم را امضا کرده باشند یا خیر، آنها بر اساس حقوق عرفی مسؤولیت دارند تا نقض جدی حقوق بشر و حقوق بشردوستانه بین المللی را وقتیکه در قلمرو افغانستان که عضو محکمه بین المللی عدالت می باشد، فعالیت می کنند، مورد تحقیق قرار دهند. همانطور که بر اساس حقوق جزایی بین المللی چنین مسؤولیت دارند.

^{۲۴} . قطع نامه ۱۳۲۵ (۲۰۰۰) شورای امنیت. هم چنان به قطع نامه های ۱۸۲۰ (۲۰۰۸) ، ۱۸۸۸ (۲۰۰۹) ، ۱۸۸۹ (۲۰۰۹) و ۱۹۶۰ (۲۰۱۰) شورای امنیت مراجعه گردد.

^{۲۵} . به تعریف "افراد ملکی" استفاده شده توسط طالبان که در این گزارش نیز آمده، مراجعه نمایید.

های مسلح سازمان یافته ای که یک طرف درگیری است و یا کسانی که جزئی از قیام عمومی^{۲۶}، نباشند. یک فرد ملکی موقف ملکی بودن خود را در مدت زمانی از دست می دهد که بصورت مستقیم در خشونت ها سهم می گیرد. همانند افراد ملکی، کسی که از میدان نبرد خارج شده (مانند زخمی، بیمار، کشتی شکسته، بازداشتی و فرد تسلیم شده) یا کسانی که مربوط به پرسونل مذهبی یا کارمندان صحی نیروهای مسلح اند، همه این ها باید در برابر حمله محافظت شوند.

حقوق بشر دوستانه بین المللی برای طرف های درگیر در یک جنگ ضروری می پندارد تا در زمان اجرای عملیات های نظامی شان میان اعضای نیروهای نظامی / شبه نظامی، اعضای گروه های مسلح سازمان یافته و افراد غیرنظامی تفکیک قایل شوند. کسانی که درگیر در جنگ نبوده و یا دیگر در جنگ ها سهم نمی گیرند، محفوظ تلقی گردیده و نباید هدف قرار گیرند.

در ارتباط جنگ افغانستان، این گزارش حملاتی را علیه گروه های مختلف مردمی به ثبت رسانیده که شامل کارمندان ملکی، معلمین، کارمندان مراکز صحی، کارمندان انتخابات و کسانی که در ارائه خدمات عامه سهم دارند، شخصیت های سیاسی و کارمندان اداری، کارمندان مؤسسات غیر دولتی، پرسونل پولیس ملکی که بطور مستقیم در جنگ دخیل نیستند و در عملیات های مبارزه با شورشیان سهم ندارند، می گردد.

^{۲۶} قیام گسترده به کنوانسیون سوم جنیوا اشاره دارد: "ساکنان یک سرزمین اشغال نشده، که در رویارویی با دشمن به سرعت اسلحه به دست می گیرند تا در مقابل نیروهای متجاوز مقاومت کنند، بدون آنکه وقت داشته باشند که خود را در قالب واحدهای مسلح منظم در آورند، مشروط به اینکه آنها سلاح را علنا حمل نموده و مقررات و عرفهای جنگ را رعایت کنند. (ماده ۴ (۱) (۶))"

خلاصه گزارش

"روز قبل از انتخابات بود. من در حال ادای نماز در مسجد منطقه به همراه پسر و دیگر مردم قریه بودم که صدای فیر جنگ شروع شد. جنگ بین طالبان و نیروهای دولتی بود. هر دو طرف از سلاح های سنگین - هاوان و راکت - استفاده می کردند. ناگهان، یک هاوان به مسجد ما اصابت کرد. من، دو مرد و یک بچه را دیدم که پیش رویم کشته شدند. یکی از آنها بچه خودم بود. من خودم فقط دستم زخمی شده بود اما بچه ام کشته شده بود. چهار نفر دیگر که آمده بودند مسجد ما را ببینند، هم زخمی شدند."^{۲۷}

-- یک فرد ملکی قربانی حمله هاوان بر یک مسجد در ولسوالی پچیر و اگام، ولایت ننگرهار، در ۴ اپریل ۲۰۱۴. طی آن حمله سه فرد ملکی، به شمول یک کودک ۱۵ ساله، کشته و پنج فرد ملکی دیگر زخمی شدند.

در نیمه اول سال ۲۰۱۴، منازعه مسلحانه در افغانستان یک چرخش خطرناک را برای افراد ملکی به همراه داشت. برای نخستین بار از سال ۲۰۰۹ که یوناما شروع به مستندسازی سیستماتیک تلفات افراد ملکی در افغانستان نمود، دریافت که افراد ملکی زیاده تری از اثر جنگ های زمینی و فیرهای متقابل بین عناصر ضد دولتی و نیروهای امنیتی ملی افغانستان به نسبت دیگر تاکتیک ها کشته شدند. در سال های گذشته، مواد انفجاری تعبیه شده موجب کشته و زخمی شدن اکثریت غیر نظامیان افغان در منازعه شده بود.

بین اول جنوری تا ۳۰ جون ۲۰۱۴^{۲۸}، یوناما مجموع ۴۸۵۳ تلفات افراد ملکی (به شمول مرگ ۱۵۶۴ و زخمی شدن ۳۲۸۹ فرد ملکی) را مستند سازی نمود که یک افزایش ۱۷ فیصدی در تعداد افراد ملکی کشته شده و افزایش ۲۸ فیصدی در تعداد افراد ملکی زخمی شده و یک افزایش ۲۴ فیصدی در مجموع تلفات افراد ملکی را نسبت به شش ماه اول سال ۲۰۱۳ نشان می دهد.^{۲۹}

^{۲۷} مصاحبه یوناما با قربانی حمله اصابت هاوان به یک مسجد، ۶ اپریل ۲۰۱۴، جلال آباد. یوناما تحقیق کرد که تلفات افراد ملکی زمانی واقع شد که نیروهای امنیتی ملی افغان از هاوان برای پاسخ به حمله توسط عناصر ضد دولتی استفاده کردند.

^{۲۸} این گزارش شش ماهه اول ۲۰۱۴ مربوط به حفاظت از افراد ملکی در منازعه مسلحانه آمار تلفات شش ماه اول ۲۰۱۴ را با آمار تلفات شش ماه اول ۲۰۱۳ مقایسه می کند. مقایسه شش ماه مشابه هر سال به این خاطر استفاده می شود که یا تحلیل مقایسوی دقیق از فصول جنگی، که شامل اپریل/ می تا آگوست/ سپتمبر می شود، در هر سال ارائه شود.

^{۲۹} یوناما کشته شدن ۱۳۴۲ فرد ملکی و زخمی شدن ۲۵۷۷ فرد ملکی (مجموع تلفات ۳۹۱۹) را طی مدت اول جنوری تا ۳۰ جون ۲۰۱۳ مستند سازی کرده بود.

یوناما ۷۴ فیصد همه قتل و جراحت های افراد ملکی را به عناصر ضد دولتی نسبت می دهد^{۳۰}، نه فیصد را به نیروهای طرفدار دولت^{۳۱} (هشت فیصد به نیروهای امنیتی افغان و یک فیصد به نیروهای بین المللی) و ۱۲ فیصد به درگیری های زمینی بین عناصر ضد دولتی و نیروهای امنیتی ملی افغان که طی آن امکان انتساب هیچ مورد از تلفات افراد ملکی به یکی از طرفین درگیری وجود نداشت.^{۳۲} یوناما چهار فیصد تلفات افراد ملکی را به بقایای مواد انفجاری از دوران جنگ^{۳۳} و یک فیصد باقی مانده را به گلوله باری از آن سوی سرحد پاکستان به داخل افغانستان نسبت می دهد.

در مقایسه با شش ماه اول ۲۰۰۹ که یوناما شروع به نظارت بر تلفات افراد ملکی نمود، تعداد غیر نظامیان کشته شده توسط عناصر ضد دولتی در سال ۲۰۱۴ دو برابر شده (از ۵۹۹ به ۱۲۰۸)، در حالیکه تعداد غیر نظامیان کشته شده توسط نیروهای طرفدار دولت به نصف رسیده (از ۳۰۲ به ۱۵۸) است و دلیل عمده آن دلیل کاهش تلفات افراد ملکی ناشی از عملیات هوایی نیروهای نظامی بین المللی است.

^{۳۰} اصطلاح عناصر مخالف دولت تمام افراد و گروه های مسلح را که در حال حاضر در درگیری نظامی علیه دولت افغانستان و یا مخالفت مسلح با دولت افغانستان و یا نیروهای نظامی بین المللی سهم دارند، در بر می گیرد و تنها شامل طالبان نمی شود. این اصطلاح همچنین به کسانی اطلاق می شود که به عنوان "طالبان" یا افراد و گروه های منسجم و مسلح غیر دولتی که به شکل مستقیم در جنگ ها سهم گرفته و با مشخصات یا هویت های مختلف شناخته می شوند. مانند شبکه حقانی، حزب اسلامی، جنبش اسلامی ازبکستان، اتحاد جهاد اسلامی، لشکر طیبه و جیش محمد و دیگر گروه های شبه نظامی و گروه های مسلحی که به دنبال اهداف سیاسی، ایدئولوژیک یا اقتصادی می باشند، به شمول گروه های جنایی که به طور مستقیم در اعمال خصمانه به نمایندگی از یک طرف درگیر فعالیت می نمایند.

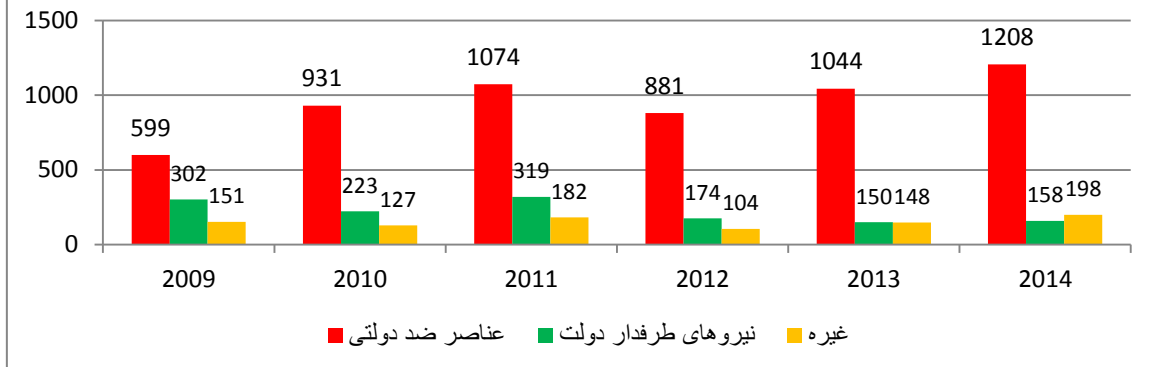
^{۳۱} این نیروها تمام نیروهای دولتی و سایر نیروهایی را در بر می گیرد که در عملیات ضد شورش در قالب نیروهای نظامی و شبه نظامی فعالیت میکنند و بطور مستقیم یا غیر مستقیم تحت کنترل دولت افغانستان می باشند. این نیروها شامل دسته های ذیل می گردد، ولی محدود به اینها نیستند: اردوی ملی، پولیس ملی، پولیس سرحدی، نیروهای ریاست امنیت ملی، پولیس محلی و سایر نیروهای محافظتی محلی و همیشه هایی می شود که که جایگاهی در قوانین افغانستان ندارند و تحت ساختارهای دولتی رسمی عملیات نمی کنند. این اصطلاح همچنین شامل نیروهای نظامی بین المللی و دیگر نیروهای استخباراتی و امنیتی خارجی می شود. برای تفصیل بیشتر به بخش واژه نامه مراجعه کنید.

^{۳۲} برای تایید انتساب کشته و زخمی شدن افراد ملکی ناشی از جنگ زمینی، یوناما از پروسه تایید توسط سه منبع خود برای هر قضیه دارای تلفات افراد استفاده می کند. در قضایایی که انتساب به یکی از طرفین ممکن نباشد، به خصوص قضایای فیرهای متقابل، یوناما تلفات افراد ملکی را به هر دو نیروهای طرفدار دولت و عناصر مخالف نسبت می دهد.

^{۳۳} بقایای مواد انفجاری از دوران جنگ و نیز به نام مواد منفجر نشده و مواد انفجاری متروک یاد می گردد.

کشته شدن افراد ملکی توسط طرفین درگیر در منازعه

جنوری تا جون: ۲۰۰۹ - ۲۰۱۴



افزایش شدید کشته شدگان و مجروحین افراد ملکی در سال ۲۰۱۴ از افزایش جنگ های زمینی بین عناصر ضد دولتی و نیروهای امنیتی ملی افغان، خصوصا در مناطقی که غیر نظامیان ساکن هستند، ناشی شده است. در نیمه اول سال ۲۰۱۴، تعداد روز به افزایش غیر نظامیان افغان در جنگ های زمین و فیرهای متقابل - ناشی از هاوان، راکت و فیر با سلاح های سبک - کشته و زخمی شدند و تعداد افراد ملکی کشته شده در جنگ های زمینی بیش از دو برابر در مقایسه به شش ماه اول سال ۲۰۱۳ است.

یوناما ۱۹۰۱ تلفات افراد ملکی (به شمول ۴۷۴ قتل و ۱۴۲۷ زخمی شدن افراد ملکی) تنها ناشی از جنگ های زمینی را مستند سازی کرده است که افزایش ۸۹ فیصدی را نسبت به سال ۲۰۱۳ نشان می دهد.^{۳۴} جنگ های زمینی سبب عمده تلفات افراد ملکی در نیمه اول سال ۲۰۱۴ بود که ۳۹ فیصدی تمام قتل و جراحت های افراد ملکی را تشکیل می دهد.

از ۱۹۰۱ مورد تلفات افراد ملکی ناشی از جنگ های زمینی، یوناما ۵۲ فیصد (۲۷۰ کشته شدن و ۷۱۸ مورد زخمی شدن افراد ملکی و مجموعا ۹۸۸ تلفات افراد ملکی) را به عناصر ضد دولتی و ۱۴ فیصد (به شمول ۷۴ مورد قتل و ۲۰۰ مورد زخمی شدن افراد ملکی و مجموعا ۲۷۴ مورد تلفات افراد ملکی) را به نیروهای طرفدار دولت نسبت می دهد.^{۳۵} یوناما نتوانست ۳۲ فیصد باقی مانده از تلفات افراد ملکی ناشی از جنگ های زمینی (۱۲۷ کشته و ۴۷۲ زخمی و مجموعا ۵۹۹ تلفات افراد ملکی) را به هیچ از طرفین منازعه نسبت

^{۳۴} بین اول جنوری تا ۳۰ جون ۲۰۱۳، یوناما مجموعا ۱۰۰۴ مورد تلفات ملکی (شامل کشته شدن ۲۱۹ و زخمی شدن ۷۸۵ فرد ملکی) ناشی از جنگ های زمینی را ثبت نمود.

^{۳۵} از مجموع ۲۷۴ تلفات افراد ملکی نسبت داده شده به نیروهای طرفدار دولت، یوناما ۹۹ فیصد آنها را به نیروهای امنیتی افغان، به شمول بعضی از عملیات ها در شراکت با نیروهای بین المللی، و یک فیصد را به عملیات های زمینی نیروهای نظامی بین المللی نسبت داد.

دهد.^{۳۶} دیگر تلفات افراد ملکی ناشی از جنگ های زمینی به گلوله باری از آن سوی مرز نسبت داده شده است.

تشدید جنگ زمینی در مناطق غیر نظامی تلفات بی سابقه زنان و کودکان را به همراه داشته است. تلفات کودکان ناشی از جنگ های زمینی بیش از دو برابر افزایش یافته و به مجموعاً ۵۲۰ تلفات غیر نظامیان کودک (کشته شدن ۱۱۲ کودک و زخمی شدن ۴۰۸ کودک دیگر) رسیده که نسبت به سال ۲۰۱۳، ۱۱۰ فیصد افزایش را نشان می دهد.^{۳۷} جنگ های زمینی موجب تلفات مجموعاً ۲۵۶ غیر نظامی زن (کشته شدن ۶۴ و زخمی شدن ۱۹۲ زن) شد که ۶۱ فیصد بیشتر از ۲۰۱۳ است.

بیش از نیمی از تلفات افراد ملکی ناشی از جنگ های زمینی از فیر غیر مستقیم، اغلب هاوان و نارنجک، بود که به خانه ها، زمین های زراعی و زمین های بازی اصابت نمود؛ جایی که زنان و کودکان معمولاً در آنجا حضور دارند و سبب باقی تلفات افراد ملکی ناشی از جنگ های زمینی، گرفتار شدن غیر نظامیان در فیرهای متقابل است.

به طور کلی، خشونت مرتبط با جنگ تاثیر مخرب بر زنان و کودکان در نیمه اول سال ۲۰۱۴ داشته است. یوناما مجموع تلفات ۱۰۷۱ غیر نظامیان کودک (کشته شدن ۲۹۵ و زخمی شدن ۷۷۶ کودک) را ثبت کرده که در مقایسه با شش ماه اول سال ۲۰۱۳، ۳۴ فیصد بیشتر است.^{۳۸} همینطور افزایش تلفات زنان ملکی نگران کننده است؛ کشته شدن ۱۴۸ و زخمی شدن ۲۹۲ زن (مجموعاً ۴۴۰ تلفات زنان ملکی) با ۲۴ فیصد افزایش نسبت به سال ۲۰۱۳.^{۳۹}

مواد انفجاری تعبیه شده که توسط عناصر ضد دولتی استفاده می شود و دومین عامل تلفات افراد ملکی است، نیز به سطح بی سابقه ای موجب کشته و زخمی شدن افراد ملکی شده است.^{۴۰} بین اول جنوری تا ۳۰

^{۳۶} در درگیری های طولانی و سنگین بین طرفهای درگیر، نسبت دادن تلفات همیشه ممکن نیست، به خصوص کشته و زخمی شدن افراد ملکی که در نتیجه فیرهای متقابل صورت می گیرد. در چنین موارد (۱۲۷ کشته و ۴۷۲ زخمی شدن افراد ملکی)، یوناما تلفات افراد ملکی را هم به عناصر ضد دولتی و هم نیروهای طرفدار دولت نسبت می دهد.

^{۳۷} یوناما کشته شدن ۶۰ کودک و زخمی شدن ۱۸۸ کودک دیگر (مجموعاً ۲۴۸ غیر نظامی کودک) ناشی از جنگ های زمینی را در مدت زمانی اول جنوری تا ۳۰ جون ۲۰۱۳ مستند سازی نمود.

^{۳۸} بین اول جنوری تا ۳۰ جون ۲۰۱۳، یوناما کشته شدن ۲۴۳ و زخمی شدن ۵۵۵ کودک (مجموعاً ۷۹۸ تلفات غیر نظامیان کودک) را ثبت کرد.

^{۳۹} بین اول جنوری تا ۳۰ جون ۲۰۱۳، یوناما کشته شدن ۱۰۶ زن و زخمی شدن ۲۴۸ زن دیگر (مجموعاً ۳۵۴ تلفات زنان ملکی) را مستند سازی نمود.

^{۴۰} در انتساب مسئولیت در مورد حوادث مواد انفجاری تعبیه شده، یوناما بین استفاده از مواد انفجاری تعبیه شده توسط یکی از طرفین درگیری و استفاده از این مواد توسط گروه های جنایی تفاوت قائل می شود. یوناما فقط مواردی از تلفات افراد ملکی ناشی از مواد

جون ۲۰۱۴، یوناما مجموع تلفات ۱۴۶۳ (کشته شدن ۴۶۳ و زخمی شدن ۱۰۰۰) فرد ملکی را ثبت نمود که یک افزایش هفت فیصدی نسبت به همین دوره در سال ۲۰۱۳ را نشان داده و بالاترین رقم تلفات افراد ملکی توسط مواد انفجاری تعبیه شده از سال ۲۰۰۹ است. مواد انفجاری تعبیه شده، کماکان بدون تفکیک در مکان هایی گذاشته می شود که جمعیت غیر نظامی در آنجا ساکن بوده و یا افراد ملکی به طور معمول از آنجا عبور و مرور می کنند و نیز استفاده از مواد انفجاری که با تماس قربانی منفجر می شود - که نقض دو اصل تفکیک و تناسب، پذیرفته شده در حقوق بشر دوستانه بین المللی است - افزایش یافته است.

یوناما ۲۰۵ حادثه ای که عناصر ضد دولتی از مواد انفجاری تعبیه شده کنترل از راه دور^{۴۱} در اماکن عمومی استفاده کرده و آثار بسیار مخرب بر غیر نظامیان داشته، را مستند سازی نموده است. بین اول جنوری تا ۳۰ جون، یوناما ۶۳۷ مورد تلفات افراد ملکی (به شمول ۱۵۰ کشته و ۴۸۷ زخمی) ناشی از حملات با استفاده از مواد انفجاری تعبیه شده نوع کنترل از راه دور را ثبت نموده که یک افزایش ۱۳ فیصدی را نسبت به همین دوره در سال ۲۰۱۳ نشان می دهد.^{۴۲} مواد انفجاری تعبیه شده کنترل از راه دور علت ۴۴ فیصد تمام تلفات ناشی از استفاده از مواد انفجاری تعبیه شده و ۱۳ فیصد کل تلفات افراد ملکی در شش ماه اول سال ۲۰۱۴ می باشد.^{۴۳} به نظر می رسد که اکثریت تلفات افراد ملکی ناشی از استفاده از مواد انفجاری تعبیه شده کنترل از راه دور از حمله مستقیم به نیروهای امنیتی افغان، و عمدتاً پولیس ملی، ناشی شده است.

بین اول جنوری تا ۳۰ جون ۲۰۱۴، یوناما مجموع تلفات ۳۰۸ فرد ملکی (به شمول کشته شدن ۱۶۱ و زخمی شدن ۱۴۷ فرد ملکی دیگر) ناشی از استفاده از مواد انفجاری تعبیه شده که با تماس قربانی فعال می شود، را ثبت نمود^{۴۴} که یک افزایش ۳۳ فیصدی را نسبت به دوره مشابه در سال ۲۰۱۳ نشان می دهد و عقب گرد نسبت به کاهشی تلفاتی بود که سال ۲۰۱۳ از این نوع مواد انفجاری تعبیه شده شاهد بود.^{۴۵} مواد انفجاری

انفجاری تعبیه شده را مستندسازی می کند که تلفات افراد ملکی ناشی از استفاده از این مواد توسط یکی از طرفین درگیر در جنگ باشد.

^{۴۱} مواد انفجاری تعبیه شده کنترل از راه دور یا کنترل از طریق رادیو، از یک فاصله ای اداره می شود که اجازه می دهد استفاده کننده وسیله ای را که قبل جاسازی نموده در یک زمان دقیق که هدف حمله از محل جاسازی عبور می کند، منفجر نماید.

^{۴۲} بین اول جنوری تا ۳۰ جون ۲۰۱۳، یوناما کشته شدن ۱۳۷ فرد ملکی و زخمی شدن ۴۲۷ فرد ملکی (مجموع تلفات ۵۶۴) ناشی از مواد انفجاری تعبیه شده کنترل از راه دور را ثبت نمود.

^{۴۳} یوناما تنها آن حوادثی را مستند سازی می کند که منجر به تلفات افراد ملکی گردد.

^{۴۴} مواد انفجاری تعبیه شده که با تماس قربانی فعال می شود، در اصل بم هایی هستند که توسط قربانی آنها منفجر می شود زمانیکه یک نفر یا یک وسیله نقلیه روی آن پا گذاشته یا رانده می شود. به همین دلیل، مواد انفجاری تعبیه شده فعال شونده با تماس قربانی، اسلحه غیر متمایز شمرده شده و ممنوع می باشد.

^{۴۵} بین اول جنوری تا ۳۰ جون ۲۰۱۳، یوناما قتل ۸۶ و کشته شدن ۱۴۶ فرد ملکی (مجموعاً ۲۳۲ تلفات افراد ملکی) ناشی از استفاده از مواد انفجاری تعبیه شده فعال شده توسط قربانی، و اکثراً از نوع بشقاب ماندی که با ایراد فشار روی آن منفجر می شود، را ثبت نمود.

تعییه شده که با تماس قربانی فعال می شود مسئول ۲۱ فیصد تلفات افراد ملکی ناشی از استفاده از مواد انفجاری تعییه شده و شش فیصد مجموع تلفات افراد ملکی می باشد.

در شش ماه اول ۲۰۱۴، حملات انتحاری و پیچیده موجب تلفات ۵۸۳ فرد ملکی، به شمول ۱۵۶ کشته و ۴۲۷ زخمی، شده است که یک کاهش ۷ فیصدی در تلفات افراد ملکی ناشی از چنین حملات را به نسبت به شش ماه اول سال ۲۰۱۳ نشان می دهد. حملات انتحاری و پیچیده بعد از جنگ های زمینی و مواد انفجاری تعییه شده، سومین عامل کشته و مجروح شدن افراد ملکی در نیمه نخست سال ۲۰۱۴ به شمار می آید.

مجموعاً، جنگ های زمینی و استفاده از انواع مواد انفجاری تعییه شده، که شامل حملات انتحاری و پیچیده می شود، عامل تلفات ۸۱ فیصد کل تلفات افراد ملکی به حساب می آیند.

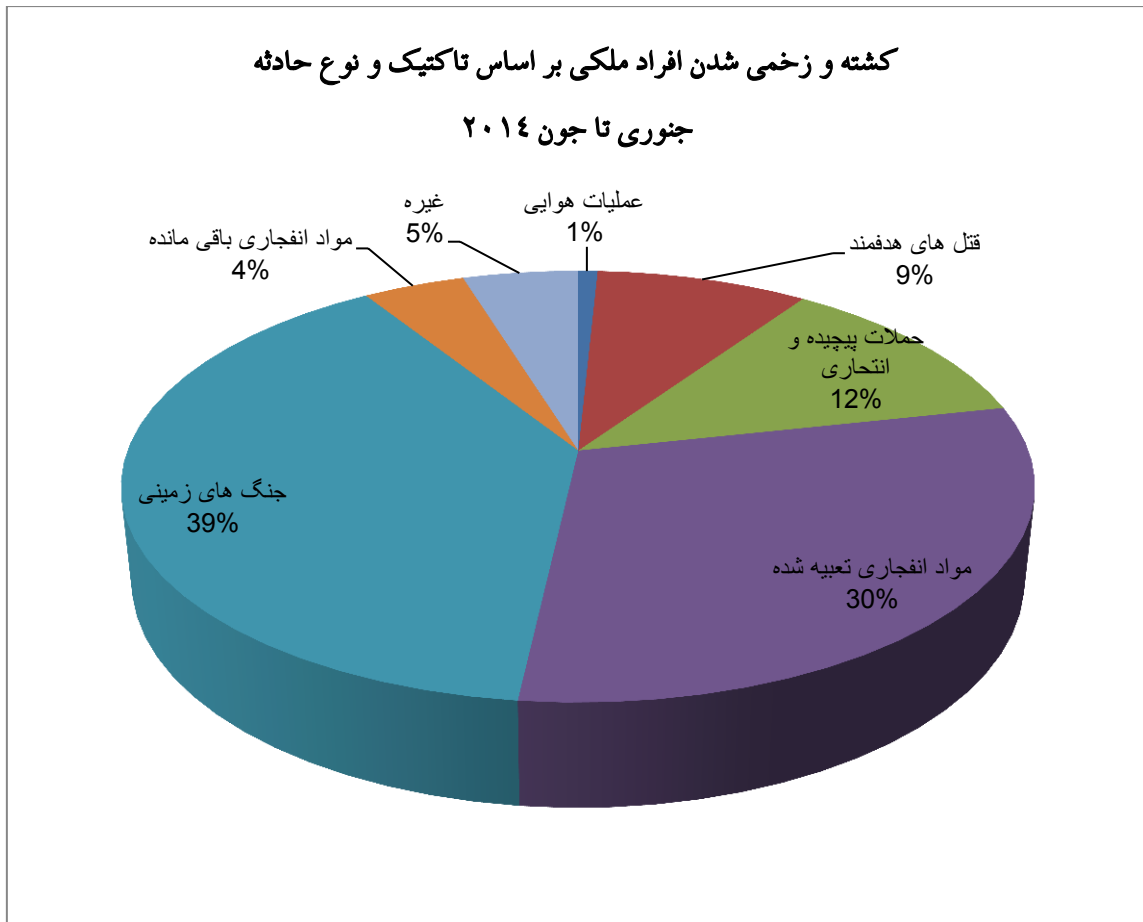
قتل های هدفمند عامل نه فیصد همه تلفات افراد ملکی به شمار می آید. بین اول جنوری تا ۳۰ جون ۲۰۱۴، یوناما مجموعاً ۴۲۸ مورد تلفات اشخاص ملکی (به شمول ۲۶۳ قتل و ۱۶۵ مجروحیت افراد ملکی) ناشی از قتل های هدفمند را مستند سازی نمود که یک کاهش ده فیصدی از دوره مشابه سال ۲۰۱۳ به شمار می آید.^{۴۶} این قتل ها، شامل قتل بزرگان قومی، کارمندان ملکی دولت، ملاها و مقامات ملکی قضائی می شود.

ده فیصد باقی مانده تلفات افراد ملکی از عملیات های هوایی^{۴۷} (که یک فیصد تمام تلفات افراد ملکی را شامل می شود)، انفجار مواد انفجاری باقی مانده از جنگ، حوادث ناشی از افزایش تدریجی قوا، اختطاف^{۴۸}، عملیات های جستجو و دیگر حوادث مرتبط با منازعه ناشی شده است.

^{۴۶} بین اول جنوری تا ۳۰ جون ۲۰۱۳، یوناما مرگ ۳۳۷ و مجروحیت ۱۳۷ فرد ملکی (مجموعاً ۴۷۴ تلفات افراد ملکی) ناشی از قتل های هدفمند (و یا کوشش برای کشتن هدفمند) را مستند سازی نمود.

^{۴۷} عملیات های هوایی عامل یک فیصد از تمام تلفات غیر نظامیان در شش ماه اول ۲۰۱۴ بوده است.

^{۴۸} در شش ماه اول سال ۲۰۱۴، یوناما مجموعاً ۲۳ تلفات غیر نظامی (به شمول قتل ۱۵ فرد ملکی و زخمی شدن هشت فرد ملکی دیگر) ناشی از اختطاف را مستند سازی نمود. این قتل های ناشی از اعدام و یا زخمی کردن قربانیانی ناشی می شود که در حین اسارت شکنجه شدند.



در نیمه اول سال ۲۰۱۴، طالبان به طور علنی مسئولیت ۱۴۷ حمله که منجر به ۵۵۳ مورد تلفات افراد ملکی (به شمول ۲۳۴ کشته و ۳۱۹ زخمی) می شد را به عهده گرفتند. همانند سال های گذشته، یوناما مشاهده کرد که علیرغم بیانه ها و اقداماتی که نشان دهنده کوشش برای محافظت از افراد ملکی است، به شمول کمیسیون طالبان در محافظت از افراد ملکی^{۴۹}، طالبان به کشتن و زخمی کردن صدها غیر نظامی افغان از طریق حمله مستقیم به غیر نظامیان و استفاده از تاکتیک های غیر متمایز، به خصوص مواد انفجاری تعبیه شده، ادامه دادند.

^{۴۹} در جون ۲۰۱۳، طالبان بیان کردند که یک واحد تلفات افراد ملکی را درون کمیسیون نظامی خود برای شناسایی مرتکبین تلفات افراد ملکی صرف نظر از اینکه مرتکب آن کی باشد، ایجاد کردند تا در صورت امکان مرتکبین را مجازات نموده و از وقوع آن در آینده جلوگیری نماید. در جون ۲۰۱۴، نمایندگان طالبان به یوناما اطلاع دادند که واحد تلفات افراد ملکی به کوشش جدی خود ادامه داده و هر حادثه را به طور مشخص مورد تحقیق قرار داده و نتیجه را در گزارشات ماهانه و سالانه منتشر کردند. نمایندگان طالبان اظهار داشتند که مطابق این مکانیزم (۱۶ ماده) و بر اساس تحقیقات و گزارشات آن، اکثریت مرتکبین تلفات افراد ملکی آمریکایی ها و اعضای اداره کرسی بودند. به ضمیمه شماره ۳ این گزارش برای ترجمه (از پشتو) مستند سازی طالبان در مورد واحد تلفات افراد ملکی که به یوناما تسلیم شد، نگاه کنید. همچنین به بخش عناصر مخالف دولت و محافظت از افراد ملکی همین گزارش نگاه کنید.

از مجموع ۱۴۷ حمله ای که طالبان مسئولیت آن را به عهده گرفته و یوناما تلفات افراد ملکی را در آن ثبت کرده، جنگجویان طالب به نظر می رسد که ۷۵ حمله را به اهداف نظامی نشانی گرفتند، در حالیکه ۶۹ حمله به طور عمدی اهداف غیر نظامی، مانند حمله به بزرگان قومی، کارمندان ملکی دولت و یا کارمندان بخش قضا و غیر نظامیان در رستوران ها را هدف قرار دادند. به عنوان مثال، در ۱۷ جنوری، یک حمله کننده انتحاری و دو مرد مسلح به یک رستوران لبنانی در شهر کابل حمله کردند که در آن حمله کنندگان به طور عمدی به هر کسی که درون رستوران بود فیر نمودند و ۲۱ غیر نظامی را کشتند.^{۵۰}

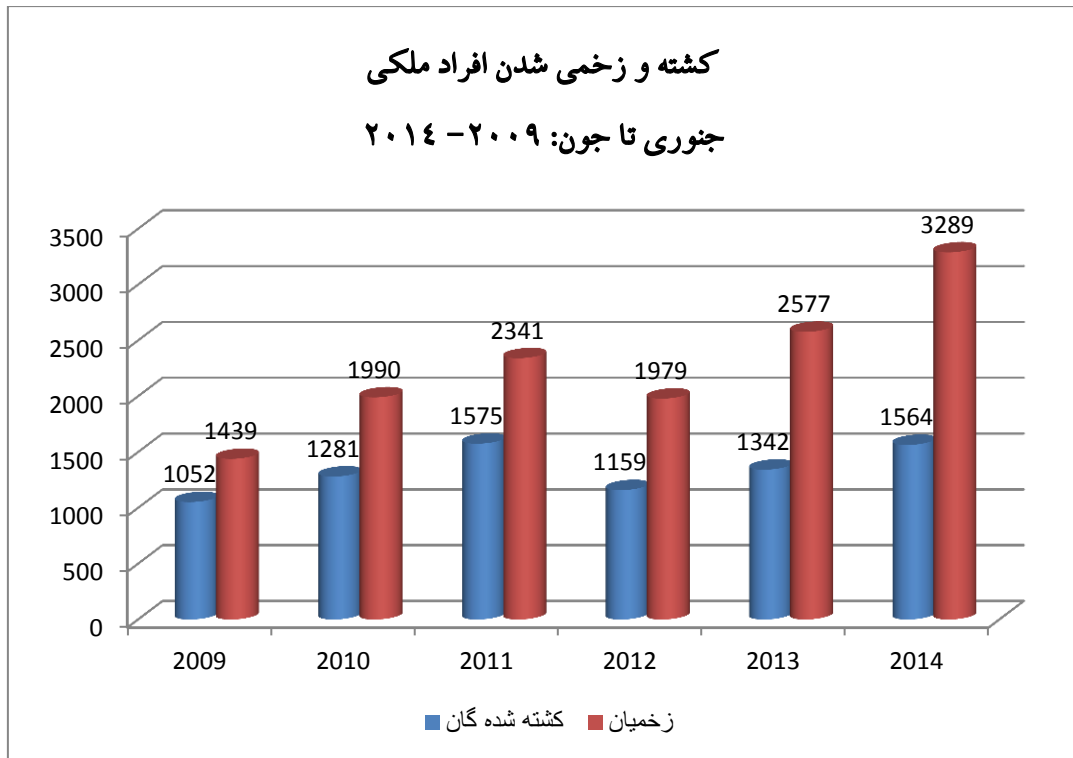
خشونت های مرتبط با انتخابات ریاست جمهوری و شوراهای ولایتی در ۵ اپریل ۲۰۱۴ و دور دوم انتخابات ریاست جمهوری در ۱۴ جون نیز بر محافظت از افراد ملکی تاثیر داشت. بین اول جنوری تا ۳۰ جون، یوناما ۱۷۳ مورد قتل و ۵۰۱ زخمی افراد ملکی (مجموعاً ۶۷۴ تلفات افراد ملکی) ناشی از حمله مستقیم به غرض هدف گیری پروسه انتخاباتی را مستند سازی نمود. اکثریت این تلفات افراد ملکی از جنگ های زمینی و حملات مواد انفجاری تعبیه شده توسط عناصر ضد دولتی بود که کاروان های کمیسیون مستقل انتخابات، مراکز رای دهی یا کاندیداها و حامیان آنها را هدف قرار می دادند.

همچنین یوناما دو حادثه جداگانه که در آنها اعضای عناصر ضد دولتی در ولایت هرات انگشتان غیر نظامیانی را که رای داده بودند را بریدند، مستند سازی نمود. در یکی از این حادثه ها، افراد منتسب به عناصر ضد دولتی انگشت سیابه ۱۱ غیر نظامی را بریدند تا آنها را به دلیل رای دادن مجازات کرده باشند. طالبان به طور علنی دخالت در این حوادث را در بیانیه های که در وبسایت خود منتشر کردند، رد کردند.

یوناما یک افزایش، هر چند یک فیصد کل تلفات غیر نظامیان، ناشی از حمله به و سوء استفاده از غیر نظامیان توسط گروه های مسلح طرفدار دولت را مشاهده نمود. بین اول جنوری تا ۳۰ جون ۲۰۱۴، یوناما ۳۰ مورد تلفات افراد ملکی (به شمول ۱۲ کشته و ۱۸ زخمی)^{۵۱} ناشی از ۱۳ حادثه جداگانه سوء استفاده، عملیات ها و درگیری بین گروه های طرفدار دولت را مستند سازی نمود. همچنین یوناما متوجه ه فقدان پاسخگویی در مقابل نقض های حقوق بشری توسط گروه های مسلح طرفدار دولت شد در حالیکه مقامات در سطح ولسوالی و ولایت از تحقیق، تعقیب و مجازات مرتکبین قصور ورزیدند.

^{۵۰} به ضمیمه شماره دو این گزارش در مورد تفکیک توسط یوناما از انواع اهدافی که طالبان مسئولیت حمله را بر عهده گرفتند، مراجعه نمایید.

^{۵۱} بین اول جنوری تا ۳۰ جون ۲۰۱۳، یوناما کشته هفت و زخمی شدن دو غیر نظامی (مجموعاً نه تلفات ملکی) را مستقیماً به گروه های مسلح طرفدار دولت منتسب نمود.



مشاهدات

یوناما مشاهده کرد که افزایش شدید در قتل و مجروحیت افراد ملکی در فیرهای متقابل و درگیری های زمینی در شش ماه اول ۲۰۱۴ عمدتاً به عوامل متغیر جنگ متناسب می شود. با متمرکز شدن روز افزون جنگ های زمینی بین عناصر ضد دولتی و نیروهای امنیتی افغان در مناطق مسکونی غیر نظامی در ۲۰۱۴، تلفات غیر نظامیان زن و کودک به شدت افزایش پیدا کرد.

بستن و انتقال بیش از ۸۶ پایگاه آیساف در نیمه دوم سال ۲۰۱۳ نیز بر حفاظت از افراد ملکی تاثیر داشته است.^{۵۲} یوناما یک رابطه مستقیم با افزایش تلفات افراد ملکی در بعضی از مناطق - خصوصاً تلفات ناشی از جنگ های زمینی - را در نیمه اول ۲۰۱۴ مشاهده نمود. در سالهای گذشته، حضور قدرتمند و مجهز صدها پایگاه عملیاتی آیساف در خط مقدم و در مناطق دور افتاده، اغلب مانع از حرکت عناصر ضد دولتی به سوی مناطق مسکونی در ولسوالی ها می شد. در پاسخ به حضور رو به افزایش عناصر ضد دولتی در بعضی از ولسوالی ها، نیروهای افغان عملیات های خود را برای حفاظت از قلمروها شروع نموده، آشکارا تعداد

^{۵۲} از آغاز ماموریت آیساف، ایساف ۷۵۰ پایگاه را بسته یا منتقل نموده است. ملاقات یوناما با رئیس انجمن نظامی نیروهای ایالات متحده، ۶ جولای ۲۰۱۴، مقر ایساف، و بیانیه جنرال جوزف دانفورد، فرمانده آیساف، در کنفرانس مطبوعاتی در کابل، ۹ جنوری ۲۰۱۴.

پوسته های بازرسی و گزرمه افزایش یافت و نیز پاسخ به حملات علیه نیروهای امنیتی افغان - که خود منجر به افزایش درگیری در مناطق مسکونی شده - اغلب به افزایش تلفات افراد ملکی منجر می شود.

یوناما مشاهده کرد که بستن پایگاه های نظامی بین المللی و متعاقب آن افزایش انتظار از نیروهای امنیتی افغان، با تشدید فضای بی ثبات سیاسی - اعلام نشدن نتیجه انتخابات و امضا نشدن موافقت نامه امنیتی بین ایالات متحده و دولت افغانستان -، فضا را برای عناصر ضد دولتی در بعضی از مناطق باز کرد تا کنترل نیروهای امنیتی را بر راه های اصلی و مناطق را به چالش بکشد. به نظر می رسد در بعضی از مناطق، این تصور که نیروهای امنیتی افغان کنترل بر اوضاع ندارند، عناصر ضد دولتی را تشویق کرده تا از گروه های بزرگتر حمله کننده استفاده کنند که این مسئله به تلفات بیشتر افراد ملکی منجر شد. در دیگر مناطق، نیروهای افغان قادر بودند که - بنا به دلایل متفاوت - مناطق را بعد از بسته شدن پایگاه های آیساف حفظ کنند که این مسئله به کاهش تلفات افراد ملکی در آن مناطق انجامید.

هر دو طرف درگیری همچنین به طور روز افزونی از تاکتیک های فیر از فاصله دورتر، مانند فیر هاوان و راکت، برای جلوگیری از تلفات خودشان و عقب راندن طرف مقابل استفاده می کنند که به تلفات افراد ملکی منجر می شود.

یوناما همچنین متوجه شد که نیروهای امنیتی افغان عملیات های پاکسازی گسترده را برای جلوگیری از اختلال انتخابات ۵ آوریل ۲۰۱۴ توسط عناصر ضد دولتی روی دست گرفتند و بار دیگر چنین عملیات هایی را برای دور دوم انتخابات در ۱۴ جون ۲۰۱۴ راه انداختند که بر محافظت از افراد ملکی تاثیر داشت.

یوناما بر این امر ضروری توسط نیروی مسلح درگیر در منازعه، خصوصا به عناصر ضد دولتی، تاکید می کند که اقدام خیلی قوی تری را برای محافظت از غیر نظامیان افغان در مقابل صدمات جنگ روی دست گیرند. با توجه به اینکه جنگ های زمینی بین شورشیان و نیروهای امنیتی ملی افغان در مناطق مسکونی غیر نظامی، افراد ملکی بیشتری را در معرض خطر کشته شدن و جراحت قرار می دهد، اتخاذ کوشش های زیادتر برای حفاظت از غیر نظامیان به حد اعلا ضرورت و نیاز رسیده است. نیز برای کاهش تلفات، باید استفاده غیر متمایز و غیر قانونی از مواد انفجاری تعبیه شده توسط عناصر ضد دولتی که به طور روز افزونی غیر نظامیان را در سراسر افغانستان در نیمه اول ۲۰۱۴ کشته و زخمی کرده است، متوقف شود.

یوناما بار دیگر از همه اطراف در جنگ می خواهد تا به تعهدات خود به موجب حقوق بشر دوستانه بین المللی پایبند مانده و همه اقدامات ضروری را برای محافظت از افراد ملکی روی دست گیرند.

پیشنهادات

یوناما پیشنهادات ذیل را جهت تقویت محافظت افراد ملکی پیشکش می نماید:

پیشنهاد به نیروهای مخالف دولت

- فیر هاوان، راکت ها و نارنجک ها را به مناطق مسکونی متوقف کند.
- استفاده از مواد انفجاری که تفکیک بین افراد ملکی و نظامی کرده نمی تواند و نیز استفاده از آن خلاف اصل تناسب می باشد؛ باید متوقف گردد. بطور مشخص استفاده از آن در ساحاتی که افراد ملکی رفت و آمد می نمایند؛ منع گردد.
- حملات از داخل و علیه اماکن ملکی بشمول هتل ها، خانه های مسکونی، جاده های عمومی، کنسولگری ها، دفاتر ملکی دولتی بشمول محاکم را متوقف نماید.
- تعریفی از افراد ملکی را به کار گیرد که با حقوق بشر دوستانه بین المللی سازگاری داشته باشد و با رعایت اصول بین المللی تشخیص، تناسب و احتیاط از تلفات افراد ملکی در جریان حملات باید جلوگیری شود.
- دستور العمل ها، رهنمودها و هدایت های که نیروها را وادار به جلوگیری از تلفات افراد ملکی می نماید، عملی گردد. همچنان؛ آن اعضای که افراد ملکی را مورد هدف قرار داده، مجروح نموده و یا به قتل می رساند، باید پاسخگو تلقی گردد.

پیشنهاد به حکومت افغانستان

- فیر هاوان، راکت و نارنجک به مناطق مسکونی را متوقف نماید.
- اقدامات مشخص جهت کاهش تلفات افراد ملکی در جریان جنگ های زمینی صورت بگیرد. این مهم زمانی عملی می گردد که رهنمود های تاکتیکی، قواعد جنگ و سایر طرز العمل ها اصلاح گردیده و تقویت گردد و از آموزش و تمویل مناسب نیروهای امنیتی ملی در رابطه با حمایت از غیر نظامیان، کاهش تلفات و پاسخگویی نیروها اطمینان حاصل نماید.
- کماکان تمام منابع مورد نیاز برای تحقق کامل استراتژی ملی مقابله با مواد انفجاری تعبیه شده؛ اختصاص داده شود. تقویت هرچه بیشتری ظرفیت نیروهای امنیتی افغانستان در اولویت قرار بگیرد تا از این طریق نیروهای متذکره بتوانند فرماندهی، کنترل و عملیتهای مقابله با مواد انفجاری تعبیه شده و خنثی سازی مواد و نیز استحصال آن را به شکل مؤثر انجام دهد.
- تمام ادعاهای نقض حقوق بشر دوستانه بین المللی و حقوق بشر و تخطی های حقوق بشری که توسط نیروهای امنیتی افغانستان و ملیشه های طرفدار دولت و نیروهای متحد با دولت صورت می

گیرد؛ مورد تحقیق و تعقیب عدلی قرار داده و آنهایی را که مسئول تلقی می گردند را بر اساس مقررات حقوق داخلی و رعایت اصول حقوق بین الملل مورد مجازات قرار دهد.

- گروپ های مسلح غیر قانونی کماکان منحل گردیده و خلع سلاح گردد.

پیشنهاد به نیروهای بین المللی

- به حمایت از نیروهای امنیتی افغانستان جهت حصول اطمینان از تمویل، آموزش و تجهیز کافی آنها ادامه دهند تا این نیروها بتواند فرماندهی، کنترل و عملیات های مقابله با مواد انفجاری تعبیه شده، خنثی سازی مواد و استحصال آن را در سالها ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۶ به شکل مؤثر انجام دهند.
- کماکان اقدامات مؤثر جهت نقشه کشی، علامت گذاری و پاکسازی مواد منفجر ناشده از تمام مراکز نظامی نیروهای بین المللی و آن حوزه های مشخص بسته شده آیساف که در آن فیر صورت گرفته؛ انجام دهد .
- بازنگری ها و تحقیقات بعد از عملیات، با هماهنگی حکومت افغانستان در عملیات هایی که تلفات افراد ملکی رخ میدهد و در آن نیروهای بین المللی و قوت های استخباراتی بین المللی دخیل هستند؛ انجام شود . نیز اقدامات مناسب در جهت اطمینان از پاسخ دهی، پرداخت جبران خسارت و بهبودی در چگونگی علمیاتها روی دست گرفته شود.